

باشکرت در انتخابات ریاست جمهوری صف نیروهای مترقی را تقویت و لیبرال ها را منفرد کنیم

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مسعود رجوی پشتیبانی میکند

فانون اساسی کنونی، تنها از حواستهای سرمایه داران لیبرال اکنون در سبز و بلوچسان به
گرایشهای ارتجاعی فئودالی را بیان این دشمنان فریبکار زحمتکشان را آتش افروزی مسغولید، مسروطه
می کند، بلکه در عین حال بارهای نیز در بردارد. سرمایه دارانی که بقیه در صفحه ۵

به مناسبت سالگرد مرگ لنین

لنین آموزگار کبیر پرولتاریا در قلب زحمتکشان جهان زنده است

باوازه های نو
ما مرگ را محاصره کردیم
در لحظه ای که

ازش سو می آمد



در ۲۱ آبان ۱۹۲۴ (۱۰ بهمن ۱۳۵۳) در مسکو درگذشت. او رهبر و بنیانگذار اتحاد جماهیر شوروی و نخستین رئیس هیئت مدیره اتحاد جماهیر شوروی بود. او یک مارکسیست و یک انقلابی بود. او در سال ۱۸۷۰ در سیم بریاوینو، روسیه متولد شد. او در سال ۱۸۹۳ به عضویت حزب کمونیست روسیه درآمد. او در سال ۱۹۱۷ به رهبری انقلاب اکتوبر در روسیه در آمد. او در سال ۱۹۲۲ به رهبری اتحاد جماهیر شوروی درآمد. او در سال ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در سال ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت. او در سال ۱۹۲۴ در مسکو درگذشت.

در این شماره:

در سال ۴۲، سال سرکوب خونین مردم توسط ارتش،
تیمسار مدنی درباره رضا خان می گوید:

”شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران نوین، در راه
تجدید عظمت شاهنشاهی کهن با اراده استوار پیش تاخت و...
اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که به همه امور میهن دارند...“
در صفحه ۲ ضمیمه

”راه رشد غیر سرمایه داری“ و ”حزب توده“
در صفحه ۶
چرا اعضای شورای انقلاب از محاکمه گروگانها طفره می روند
در صفحه ۲

فرار شاه تجلی اراده خلقهای ایران

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران از مسعود رجوی پشتیبانی میکند

آرایش نیروها در انتخابات ریاست جمهوری

آرایش نیروها در انتخابات ریاست جمهوری بطور نسبی بدینا ن
خود نزدیک می شود و جناح های درگیر در جمهوری اسلامی همانطور
که پیش بینی می شد، سیمای تازه تری از خود به نمایش گذاردند.
سرمایه داران لیبرال سندهای انتخاباتی خود را برپا داشتند و
با تمام امکانات مادی و تبلیغاتی خود یادگرفتند. مردم
برآمدند. آنها همچون گذشته محور سیاست تبلیغاتی خود را
بپره گیری از احساسات مذهبی و ناراضی های بوده های وسیع
مردم گذاشتند. شعار "ایجاد امنیت" که دقیقا متعکس کننده
تأملات بورژوازی و خرده بورژوازی به قدرت رسیده است. مضمون
اصلی برنامه غالب کاندیداها است و با قدری تمع می توان درک
شود که در پس این شعار، چگونه سرکوب مبارزات مردم کشته شده
طبقه کارگر و مدافعان آن قرار دارد.

نمصار در یادار مدنی، (استاددار خوزستان و عضو شورای مرکزی
جبهه ملی ایران) بخصوص در این زمینه عنصر قابل تا کیدی است،
کارنامه این کاندیدای ریاست جمهوری در پست استانیستاداری
خوزستان با سرکوب خونین خلق عرب خوزستان و کارگران جنوب
آغاز و پایان می یابد و هر سببه ای را در درک مضمون اصلی شعار او
بر طرف می کند.

اسخایات ریاست جمهوری تنها عرمه ناخ و باز جناح های
حاکم نبوده و کاندیدانوری مسعود رجوی جبهه بازدهای از نیروهای
ترقیخواه و ضد امپریالیست را بازگشود و حاکمیت را به تک و سدا
انداخت.

پشتیبانی "هیئت نمایندگی خلق کرد" از مسعود رجوی کسه
نشانه "صلح طلبی" این هیئت است، اهمیت فراوانی داشتند و
جبهه نیروهای ضد امپریالیست را بیش از پیش تقویت نمود و زمینه
تازه ای از اتحاد عمل و اشتراک مساعی نیروهای رادیکال انقلابی
فراهم آورد و چشم اندازی از وحدت انقلابی اقشار و طبقات خلق
برسیم کرد.

ناگفته پیداست که در این میان، افشای بی امان سرمایه داران
لیبرال و به ویژه افشای کوششهایی که از جانب آنان برای مخدوش
ساختن مرز بندی نیروهای انقلابی و دمکرات با جبهه لیبرال ها
بعمل می آید، شرط ضروری برای تحکیم اتحاد عمل نیروهای
انقلابی و دمکرات به شمار می رود.

در این میان سردرگمی و گیج سری "توده ایها" چشم گیر بود. قبلا
بگوئیم که "آیت الله خمینی" با پیام ۱۴ دیماه ۵۸ در برابر واقعات
مبارزه طبقاتی تسلیم شد و برای نخستین بار پذیرفت که "ولایت
فقیه" در مقابل اراده مردم قرار دارد و حق توده های وسیع
میلیونی را در تعیین سرنوشت خود از آنان سلب نموده است و
به هردلیل در نخستین دور انتخابات ریاست جمهوری "اصل
ولایت فقیه" را رها کرد.

با اینهمه "توده ایها" تلویحا از "آیت الله خمینی" خواستار
می شوند که "ولایت فقیه" خود را اعمال نموده و "انتخابات
رئیس جمهوری را از ابهام و سردرگمی برهاند." به این ترتیب
بکبار دیگر روزنامه "مردم" با پرده پوشی حقایق مزبور به مبارزه
بقیه در صفحه ۲

گسترده باد همگامی و همکاری همه نیروهائی که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه میکنند

روزنامه جمهوری اسلامی، سخنگوی تاریک اندیشان و سرکوبگران

ارتجاعی روزنامه جمهوری اسلامی است که چگونه با حماقت تمام اعلامیه‌های سازمان و شاخه تبریز را در مورد عدم شرکت در راهپیمایی لیبرال‌ها و محکوم ساختن اقدامات حزب جمهوری خلق مسلمان و شرکا عمدا نادیده می‌گیرد.

در مقاله "ملت قهرمان و مسلمان ایران" می‌نویسد:

"ولی باز می‌بینیم که دست تبهکار آمریکا از آستین چریکهای فدائی خلق این مزدوران اویسی و پالیزبان بیرون آمده و در مذاکرات صلح کردستان اختلال می‌کنند. مسلمانان مومن به انقلاب و امام را اعدام می‌کنند، پرچم لاله‌الله را آتش می‌زنند و روسری زنان و دختران مسلمان را پاره می‌کنند... و بسا در مقاله دیگری بنام "نگاتی دربارہ وقایع تبریز" می‌نویسد:

"آن جناح از چریکهای فدائی نیز که علیرغم دانه‌پاشی‌های کینوری هنوز به تودما بی‌انگیزیدمانند و در حکم توده‌نقشی‌های سال ۲۹-۲۲ هستند ممکن است بسا دلالی امثال کشاورز به جناح آمریکا یا ائتلافی از هردو ابرقدرت مانند رژیم شاه سابق و رژیم بعثی عراق (که آمریکا-ی-روسی است) بپیوندند" شایده، فریب، دروغ‌پردازی، تحریک، توطئه و جعل خبر و هر آن چیزی که شایسته روزنامه جمهوری اسلامی است در این کلمات موج می‌زند.

در یک مقاله "دست تبهکار آمریکا از آستین چریکهای فدائی خلق بیرون آمده"، در مقاله دیگری کشتار قارتا، بهماران خانه‌های مردم کردستان، جنایات پاسداران و ارتش جمهوری اسلامی همه و همرا برده‌پوشی می‌کند و تا آنجا که می‌تواند، موهن‌ترین اقدامات ربه فدائیان خلق نسبت می‌دهد.

روزنامه جمهوری اسلامی از جمله شریاتی است که پس از قیام شکوهند بهمن ماه گذشته، بعنوان ارگان حزب جمهوری اسلامی، سر از دک‌های روزنامه‌فروشی بدر آورد. سیاست این روزنامه، همانند سیاست حزب جمهوری اسلامی بر اساس مبارزه با انقلابی-موسون کمونیست و در راس آن سازمان ما تدوین شده است.

جمل اخبار، عوام‌فریبی، دروغ‌پردازی، ایجاد نفاق و دشمنی در صفوف نیروهای ترقیخواه و ضد امپریالیست، تلاش مذبحخانه برای بدنام کردن انقلابیون کمونیست و تضعیف مبارزه ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ایران از خدمات روزنامه جمهوری اسلامی در طول انتشار آن است.

روزنامه جمهوری اسلامی، تاریک اندیشی، قشری‌گری و واپس‌گراشی را همراه با سیاست‌های سرکوب و خلعها و زحمتکشان ایران، توأمان تبلیغ می‌کند و از این راه نیز در خدمت منافع طبقه سرمایه‌دار ایران و امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا قرار می‌گیرد.

این روزنامه با تبلیغ جنبه‌های ارتجاعی حاکمیت در جهت تحمیل توده‌ها و تاریک‌اندیشی گام برمی‌دارد و به این منظور خواستهای ترقیخواهانه را مورد استهزاء و انتقاد قرار می‌دهد. عناد و دشمنی نسبت به آنچه که زحمتکشان میهنمان بخاطرش قیام کردند، یکی از شیوه‌های تبلیغاتی این روزنامه است.

سیاست توطئه و تحریک علیه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران که در این روزنامه دنبال می‌شود، خاطره روزنامه‌های آریامهری را زنده می‌کند و با همان کلمات، همان مفاهیم و همان ادبیات به‌مخدوش

ساختن چهره انقلابیون کمونیست می‌پردازد.

در شماره‌های اخیر روزنامه جمهوری اسلامی، تحریف حقایق مربوط به وقایع تبریز به‌گونه‌ای بوده است که خدمتگزار روزنامه و گردانندگان آنرا به امپریالیسم سرمایه‌داران لیبرال برای هر خواننده آگاه از اوضاع کنونی روشن می‌سازد. بی‌اطلاعی و جهالتت سیاسی گردانندگان روزنامه آنچنان است که تنها استهزاء مردم را برمی‌انگیزد. از جمله در شماره ۲۶ دوشنبه ۲۶ آذرماه در رابطه با حوادث تبریز از قول حجت‌الاسلام موسوی می‌نویسد:

"چهار فدائی خلق و دو عضو سازمان پیگار توسط مردم دستگیر شدند." و فراموش کرده بود که در شماره چهارشنبه ۲۱ آذرماه نوشته است: "در رابطه با حوادث تبریز دو عضو چریکهای فدائی خلق و حزب دمکرات دستگیر شدند." و باز در شماره دوشنبه ۱۹ آذرماه از قول همان حجت‌الاسلام می‌نویسد:

"... اما رفرا ندیم تبریز با استقبال چشمگیر مردم روبرو شد و نقشه توطئه‌گران جامه عمل نپوشید، لذا دست به حمله دیگری زدند که تصرف رادیو-تلویزیون بود و جالب است که گروه‌های نظیر فدائیان خلق، پیگار، حزب دمکرات از آنان پشتیبانی کردند." ما در مقاله دیگری توضیح خواهیم داد که چگونه حجت‌الاسلام موسوی برای پنهان ساختن چهره ضد مردم‌سناسی آیت‌الله‌های طرفدار حزب جمهوری خلق مسلمان و به منظور حیثیت تراشی برای آنان به دروغ و تحریف حقایق می‌پردازد. در اینجا قصد ما بیشتر توضیح مواضع

آرایش نیروها در ...

طبقات و مترقی جلوه دادن جنبه‌های ارتجاعی قانون اساسی علیه مردم وارد معرکه شد.

"حزب توده" در عین حال از کاندیدها تقاضا کرد که به کمکش بشتانند و او را از سردرگمی ناشی از خودداری "آیة الله خمینی" از انتخابات رئیس جمهوری برهانند، "حزب توده" به کاندیدها توصیه کرد برای این منظور برنامه‌های خود را ارائه دهند تا ملاک قضاوت و انتخاب "حزب" قرارگیرد.

با این موضع‌گیری حزب توده ماهیت بورژوازی خود را آشکارتر ساخت، چه از نظر کمونیست‌ها "برنامه‌های احزاب (بورژوازی) غالباً فقط برای خام کردن مردم نوشته می‌شود." از این رو معتقدند "برای اینکه بتوان به ماهیت مبارزه‌جویی (بخوان مبارزانه انتخاباتی کنونی) پی برد، نباید به گفتار باور داشت بلکه باید تاریخ واقعی احزاب را بررسی نمود. این بررسی نباید آنقدرها در پیرامون آن چیزی باشد که خود احزاب و (شخصیت‌ها) درباره خود می‌گویند بلکه باید در اطراف آن چیزی باشد که این احزاب بدان عمل می‌نمایند و نیز در اطراف این باشد که آنها مسائل مختلف سیاسی را چگونه حل می‌کنند و در اموری که پای منافع حیاتی طبقات مختلف جامعه یعنی ملاکین، سرمایه‌داران، دهقانان، کارگران و غیره بهمیان می‌آید، چگونه رفتار می‌نمایند."

حمله عناصر مرتجع و مزدور ربه راهیمنائی ضد امپریالیستی دانشجویان و دانش آموزان محکوم می‌کنیم

به دنبال راهیمنائی ضد امپریالیستی از طرف دانشجویان مبارز و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیگار در راه آزادی طبقه کارگر که در روز سه‌شنبه بازده بزرگوار شده بود، وارد بگر چهره عناصر ارتجاعی برای مردم آشکار شد، این راهیمنائی که از دانشگاه تهران آغاز شده بود، پس از طی مسیر خیابان انقلاب، میدان انقلاب، خیابان کارگر، خیابان جمهوری، در مقابل مسجد سجاده مورد بورش وحشیانه عوامل وابسته به محافل سرمایه‌داران لیبرال و

تعدادی از راهیمنان مفسر و شدند. و راهیمنائی خاتمه یافت. شدت بورش وحشیانه عناصر مرتجع و مزدور بگونه‌ای بود که تا ساعتی بعد نیز این درگیری‌ها تا خیابان‌های اطراف نیز کشانده شد.

ما تمامی این توطئه‌ها را محکوم کرده و از تمامی نیروهای مترقی و انقلابیون کمونیست می‌خواهیم که حین شرکت فعالانه در مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها، تمامی این توطئه‌ها را افشاء و محکوم کنند.

جهان بینی برحق تعیین سرنوشت خود در حال فروریختن است. نظام بهره‌کشی و غارتی که بر طبقه سرمایه‌داران ایران که با هزاران رشته با امپریالیسم آمریکا پیوند دارد، متکی است.

بدون شک محاکمه گروگان‌های ارتقا آگاهی مردم ما برای مقابله با امپریالیسم و شناخت عمیق‌تر از دشمنان خود نقش بسیار راهیمنی دارد. چنین محاکماتی بی‌تردید دست سرمایه‌داران لیبرال و دیگر دوستان و جاسوسان امریکارا که اینک در شورای انقلاب و دیگر مراکز قدرت جاخوش کرده‌اند، باز می‌کند.

بی‌دلیل نیست که علیرغم پشتیبانی وسیع و همه‌جانبه توده‌ها از ادامه افشاکاری‌ها، انبوهی از اسناد خیانت دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا، به لطف شورای انقلاب از توده‌ها پنهان نگه داشته شده و از ادامه افشاکاری‌ها ممانعت می‌شود.

سیاست‌های سازشکارانه شورای انقلاب، هدفی جز ممانعت از رشد آگاهی سیاسی توده‌ها و جلوگیری از گسترش دامنه مبارزات ضد امپریالیستی-دمکراتیک خلقهای قهرمان ما ندارد و تنها هراس آنها از اراده مردم ما، که مصممند حاکمیت خود را مستقر سازند، به نماش می‌گذارد.

سازش با آمریکا و فیصله دادن "مسئله" از سوی این دسته بعمل می‌آید.

عوام‌فریبی است زیرا که مردم ما از همان آغاز، در کشتان از محاکمه گروگان‌ها، نه فقط محاکمه تعدادی افرادی مزدور، بلکه به محاکمه کشیدن سیاست‌های امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بودماست و با توجه به نقش افشاکران‌های که این محاکمات در بر ملا ساختن دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا دارد، برای این محاکمات تأکید دارند.

از سوی دیگر محاکمه جاسوسان امریکائی در دادگاه‌هایی که قاضی آن میلیون‌ها تن مردم قیام‌کننده میهن ما باشد مورد نظر بوده است. چه محاکمه این جاسوسان در پیشگاه خلقهای قهرمان ایران، بی‌انگرس اعمال اراده مردم ما در سرنوشت سیاسی‌شان است و ضربه بزرگی بر اعتبار پوشالی امپریالیسم جهانی و مشخصاً امپریالیسم امریکاست. مردم ما با این محاکمات در حقیقت می‌خواهند نشان دهند که امپریالیسم نه یک سیاست بلکه یک نظام بهره‌کشی و غارت است که در برابر اراده خلقهای ستم‌دیده

چرا اعضای شورای انقلاب

از محاکمه گروگان‌ها طفره می‌روند

به شورای انقلاب می‌روند. در ملاقاتی به مناسبت عید کریسمس با گروگان‌ها چنین اظهار می‌کنند:

"گروگان‌ها در صورتی که خلاصی انجام ندادند با ما هستند، فقط به عنوان شاهد در محاکمات شرکت خواهند کرد."

آیت‌الله خامنه‌ای عضو شورای انقلاب نیز در سخنرانی که روز سه‌شنبه ۱۱ دیماه از رادیو پخش شد، گروگان‌ها را افراد بدبخت و بیچاره‌ای توصیف کرد که "آلت دست دولت آمریکا واقع شده‌اند." آنچه که از تمامی این مصاحبه‌ها برمی‌آید، فرار بر سرانه مسئولین امور از محاکمه گروگان‌ها است. آنها با تبلیغات خود اینطور وانمود می‌کنند که گویا خواست مردم ما، محاکمه چند فرد و فیصله دادن قضا با صدور چند حکم براثت یا محکومیت در دادگاه‌های در بسته شرعی است که آیتک مقامات مسئول حسی را آنرا در دستور خود فرار داده‌اند که عبارت باشد از محاکمه "سیاست دولت آمریکا" این سلیغات اریکسو عوام‌فریبی است و از سوی دیگر برده‌پوشی نمایان سازگارانه و وارویندند جلوه‌دار افدامانی است که برای

صادق قطب‌زاده در مقام وزارت امور خارجه و عضو شورای انقلاب، به کمک سازشکارانی که اکثریت شورای انقلاب را تشکیل می‌دهند، طرحی ریخته‌اند که با تشکیل یک "هیئت منصفه بین‌المللی" محاکمه گروگان‌ها را به محاکمه "دولت آمریکا" تبدیل کنند و شورای قبولان این طرح به توده‌های مردم با بوق و کرنا به تبلیغات عوام‌فریبانه پرداختند. مثلاً در رادیو-تلویزیون و روزنامه‌ها چنین وانمود می‌کنند که این گروگان‌ها آلت دست و افراد بیچاره‌ای بیش نیستند و محاکمه آنها به این صورت کاری از پیش نمی‌برد! در جای دیگر مثلاً در مصاحبه‌های از شبکه خبری ای.بی.سی. پخش گردیده گفته شد:

"اگر تصمیمی درباره محاصره اقتصادی ایران گرفته شود، بسا اقدامی در این زمینه صورت گیرد ما مسلماً فکر محاکمه عمومی آمریکا را کنار خواهیم گذارد و به محاکمه گروگان‌ها خواهیم پرداخت."

علاوه بر سخن‌پراکی‌های قطب‌زاده که مذاکرات سرایش با "آقا شاهی" وزیر امور خارجه رژیم سرنبریده صباالحق و "والد هاشم" در فرودگاه و دفاع از اس‌مانند امپریالیست‌ها، شانه کوشش‌های او در سازش با امریکاست. آیت‌الله سبسی در شورای انقلاب در

مصاحبه‌های با خبرنگاران داخلی و خارجی در این مورد چنین اظهار نظر می‌کند:

"وقتی بخواهیم یک سیاستی ربه محاکمه بکشیم، ممکن است ضرورت داشته باشد بعضی از عوامل اجرای آن سیاست هم حداقل به عنوان شاهد در محاکمه حضور یابند." و در مقابل این سؤال که:

"در چه شرایطی امکان دارد گروگان‌ها محاکمه نشوند؟" پاسخ می‌دهد که:

"شما باید به اصل موضوع توجه کنید، اصل موضوع محاکمه سیاست است."

دکتر باهنر، عضو دیگر شورای انقلاب در مصاحبه خود زیر کانه محاکمه گروگان‌ها را از عین بی‌اهمیت قلمداد کرده و می‌گوید:

"هدف اصلی مسئله محاکمه نیست، اگر چنانچه در طریق هدفمان ضرورتی ایجاد کند، محاکمه هم طرح خواهد شد اما اگر چنانچه بتوانیم به هدفیایمان از راه‌های دیگر برسیم، راه‌های دیگر را تعقیب می‌کنیم."

آیت‌الله منتظری سیر که رسول خودشان گاه‌گاهی برای اظهار نظر

صالح قطب‌زاده در مقام وزارت امور خارجه و عضو شورای انقلاب، به کمک سازشکارانی که اکثریت شورای انقلاب را تشکیل می‌دهند، طرحی ریخته‌اند که با تشکیل یک "هیئت منصفه بین‌المللی" محاکمه گروگان‌ها را به محاکمه "دولت آمریکا" تبدیل کنند و شورای قبولان این طرح به توده‌های مردم با بوق و کرنا به تبلیغات عوام‌فریبانه پرداختند. مثلاً در رادیو-تلویزیون و روزنامه‌ها چنین وانمود می‌کنند که این گروگان‌ها آلت دست و افراد بیچاره‌ای بیش نیستند و محاکمه آنها به این صورت کاری از پیش نمی‌برد! در جای دیگر مثلاً در مصاحبه‌های از شبکه خبری ای.بی.سی. پخش گردیده گفته شد:

"اگر تصمیمی درباره محاصره اقتصادی ایران گرفته شود، بسا اقدامی در این زمینه صورت گیرد ما مسلماً فکر محاکمه عمومی آمریکا را کنار خواهیم گذارد و به محاکمه گروگان‌ها خواهیم پرداخت."

علاوه بر سخن‌پراکی‌های قطب‌زاده که مذاکرات سرایش با "آقا شاهی" وزیر امور خارجه رژیم سرنبریده صباالحق و "والد هاشم" در فرودگاه و دفاع از اس‌مانند امپریالیست‌ها، شانه کوشش‌های او در سازش با امریکاست. آیت‌الله سبسی در شورای انقلاب در

باشکرت در انتخابات ریاست جمهوری صف نیروهای مترقی را تقویت و لیبرال ها را منفرد کنیم

دانشجویان، طلاب و روحانیان صد امپریالیست و همه خلقهای تحت ستم ایران از یک سو و امپریالیسم سرمایه داران و زمین داران وابسته به آن از سوی دیگر جریان دارد.

۳ - در شرایط کنونی سرمایه داران لیبرال (مشروطه خواه) پرچم دفاع از امپریالیسم را در

احادی از نیروهای انقلابی رادیکال در برابر دیگر نیروها به حرکت در آوریم.

باید ماهیت و اهداف حرکت این نیروها را به نوده ها بشناسانیم و بگوئیم تا در جمع نیروهای انقلابی و دزست گیری این نیروها خط پرولتاریا نقش تعیین کننده و رهبری کننده نباید ما به با امید پیروزی کاندیدای مورد پشتیبانی خود بلکه ما تاکید بر ایجاد صفی از نیروهای انقلابی رادیکال در برابر دیگر صفوف. با تاکید بر افشای کاندیداهای صدکارگر با استفاده از سمت گیری این صف ترقی خواه و رادیکال با تاکید بر بالا بردن آگاهی توده در مورد مسئله انتخابات و اشکال ضروری مبارزه علیه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته و با تاکید بر ضرورت نامین رهبری طبقه کارگر از طریق هدایت عملی مبارزه توده ها در انتخابات شرکت می نمائیم و بر همین مبنا از "مسعود رجوی" کاندیدای سازمان معاهدین خلق ایران پشتیبانی می نمائیم.

وحدت و یکپارچگی و آگاهی میلیون ها زحمتکش مبارز ایرانی است که سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود می کنند و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را بنا می نهند.

دست دارند و می کوشند تا با هر چه توده ها و بهره گیری از گرایش های ارتجاعی جاری در حاکمیت به پوخته های خود عنوان آزاد بخوایند بدهند لذا همچنانکه هدف عمده بر انداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری تمام وابسته است جهت اصلی مبارزه در این مقطع باید متوجه جنبه سرمایه داران لیبرال (مشروطه خواه) باشد که اکنون با حمایت بقایای انحصارات وابسته و امپریالیسم آمریکا می کوشند با هر چه رود تر قدرت را به دست گیرند و بطور همه جانبه به سرکوب توده ها بپردازند.

همه نیروهای انقلابی متحدان و با تمام قوا و پیش از آنکه این مزدوران امپریالیسم فرصت بهره گیری از امکانات خود را بیابند، باید آنها را برای همیشه درهم بکوبند و سلطه امپریالیسم را نابود سازند.

۴ - نیروهای انقلابی باید گرایش های ارتجاعی و قشری جاری در حاکمیت را افشا نموده و بدان بطور پیگیر مبارزه کنند. لیکن عمده کردن این گرایش ها و تعمیم دادن آن به همه خرده بورژوازی نادرست بوده و تاثیراتی بر روند درست جنبش پر حاکمیت می گذارد.

۵ - در مبارزه صدامیرالیستی - دمکراتیک میهن ما، هرگونه گرایشی که اتحاد با طبقه کارگر را نپذیرد، گرایشی ارتجاعی بوده و در نهایت به اتحاد با سرمایه داری و سازش با امپریالیسم می انجامد. لذا با چنین گرایش هایی در نمایندگان دیگر نیروهای خلقی باید مبارزه نمود و همه نیروهای خلقی را در جهت همگامی و همکاری هر چه بیشتری برای بر انداختن سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته هدایت نمود.

گسترده یاد همگامی و همکاری همه نیروهای که در راه ایرانی آزاد و دمکراتیک مبارزه می کنند

ریاست جمهوری حاکمیت کوشش های میدان بردی است که میان خلق ما امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا و با یگانه داخلی آن یعنی طبقه سرمایه دار وابسته ایران در جریان است و مسلم است که انقلابیون کمونیست نمی توانند و نباید بدون توجه به وضعیت مبارزه طبقاتی، صف بندی

نیروها و بدون توجه به وظایفی که در قبال جنبش خلق دارند، از شرکت در انتخابات خودداری کنند. انگیزه کمونیست ها در اتحاد هر شیوه عملی باید آگاهی دادن به توده، سازماندهی نیروها، نامین رهبری طبقه کارگر و پیشبرد مبارزه صدامیرالیستی - دمکراتیک باشد. ما هم اکنون اعلام می کنیم که اگر چه جنبش عظیمی از توده ها، طبیعتا انتظار دارند که با انتخاب رئیس جمهور مورد اعتقاد خود مانع برآوردن خون شهدان و آمال و آرزوهای حلقه های مهربان ما شوند. اما وقتی دشمن به عدم قاطعیت و زنجیر روحانیت در برخورد با لیبرال ها متکی است و با تکیه بر پول و سلاح و امکانات مالی و مادی خود و بهره گیری از ناآگاهی بخشی از توده ها به میدان می آید و پنهان آشکار علیه حلقه های ماسیح شده و برای شکست جنبش صدامیرالیستی.

همانگونه که راه اصلی و درست سرنگون کردن شاه و نظام شاهنشاهی انتخابات نبود، اکنون نیز این انتخابات ریاست جمهوری نیست که امپریالیسم آمریکا را از ایران بیرون می کند.

میدان فرساده ما با شعارهای فریبده راه خود را به سوی قدرت باز نماید. این نمایندگان هر یک به نفع طبقه خود می کوشند تا دم از خوانند بوده ها و احیاناً طبقه کارگر برسد و از این طریق نیروی هر چه بیشتر حین دستیابی به هدف جمع نمایند. اکنون در حالیکه حقی سرمایه داری وابسته با صف مستقل خود!! شمار مدنی و انقلابی راه میدان فرساده و با آن خیال که سیاسی به کرسی ریاست جمهوری چیزی ماسد نموده است. می کوشد تا هر چه بیشتر سردر را فریب دهد، طبقه کارگر حقی را معرفی کاندیدای خود بر محروم می یابد. طبقه کارگر در اساس حین گمائی ندارد که نا اطمینان و آرزای می توان امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را شکست داد. لیکن طبقه کارگر در عین حال بر دید دارد که افسا و معالده معاندان جسم به کرسی مسدود

دو جنبه طبقه سرمایه داران ایران در عین حال عرصه دیگری از مبارزه صدامیرالیستی و صد سرمایه داری است. ما توجه به چنین مسائلی است که وظایف کمونیست ها مشخص می گردد. هواداران طبقه کارگر در چنین موقعیتی نمی توانند این عرصه مبارزاتی را رها کرده و توده ها را به حال خود بگذارند. ما باید در حرکت توده ها شرکت کنیم. تا یکبار بر ریمه های توده های مبارزه راست دهم، سبزی سمت دادن مبارز. فاطمه و علاقه به افشا، جبهه ها و نیروهای مدعی ریاست جمهوری بپردازیم و اهداف واقعی آنها را به توده ها توضیح دهیم و در این راه همه نیروهای رادیکال و انقلابی و مترقی را به شرکت در انتخابات دعوت کنیم و

انگیزه کمونیست ها در اتخاذ هر شیوه عملی باید آگاهی دادن به توده ها، سازماندهی نیروها و نامین رهبری طبقه کارگر و پیشبرد مبارزه صدامیرالیستی - دمکراتیک تا پیروزی نهائی باشد.

دمکراتیک میهن ما به هر جنبه ای دست می زند، با انتخاب یک رئیس جمهور کمتر کاری بین می رود. همانگونه که راه اصلی و درست سرنگون کردن شاه و نظام شاهنشاهی انتخابات رئیس جمهور نیست که امپریالیسم آمریکا را از ایران بیرون می کند. این وحدت و یکپارچگی و آگاهی میلیون ها زحمتکش مبارز ایرانی است که سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته را نابود می کند و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را بنا می نهد. تنها عزم و اراده و آگاهی و رهبری طبقه کارگر و همراهی و همگامی و پشتیبانی دیگر اقشار خلق از مبارزات آن است که دشمن را در عرصه بیکارهای بی امید و مهر آرزو پای در می آورد. آنچه مبنای اصلی شیوه های عملی ما واقع می گردد، سمت گیری

دو جنبه طبقه سرمایه داران ایران در عین حال عرصه دیگری از مبارزه صدامیرالیستی و صد سرمایه داری است. ما توجه به چنین مسائلی است که وظایف کمونیست ها مشخص می گردد. هواداران طبقه کارگر در چنین موقعیتی نمی توانند این عرصه مبارزاتی را رها کرده و توده ها را به حال خود بگذارند. ما باید در حرکت توده ها شرکت کنیم. تا یکبار بر ریمه های توده های مبارزه راست دهم، سبزی سمت دادن مبارز. فاطمه و علاقه به افشا، جبهه ها و نیروهای مدعی ریاست جمهوری بپردازیم و اهداف واقعی آنها را به توده ها توضیح دهیم و در این راه همه نیروهای رادیکال و انقلابی و مترقی را به شرکت در انتخابات دعوت کنیم و

خواهانی که برای برگرداندن وضعیت پیشین با تمام نیرو و نیرنگ وارد میدان شده اند، توسط نمایندگان خود در مجلس خبرگان کوشیدند تا قانونی مطابق مبطل خود پیش فراهم آورند و هر چند که نتوانستند به مطلوب خود دست پیدا کنند، اما موفق شدند تا در پارهای موارد حرف خود را به کرسی بنشانند.

بنابراین تعجب آور نیست اگر قانون اساسی برای سرمایه داران لیبرال (بخوان مشروطه خواه) یعنی برای دشمنانی که هم اکنون در سنگر مقابل خلق با تمام قوا به جنگ مشغولند، راههای صعود به قدرت باز گذاشته و طبقه کارگر، یعنی رزمندترین و آشتی ناپذیرترین دشمن امپریالیسم و سرمایه داری را از همه حقوق محروم کرده باشند. این قانون ماده به ماده در برابر انقلابی ترین نیروهای خلق مانع ایجاد کرده و در همان حال سنگر گرایش های ارتجاعی را تقویت کرده است.

همان می دانند که ما به قانون اساسی جمهوری اسلامی رأی ندادیم زیرا این قانون راه را بر استثمار و غارت خلق باز می گذاشت. ما قانون اساسی را تأیید نکردیم زیرا این قانون در اعزاز است ریاست جمهوری اسلامی برای مثال مدنی ها که هنوز هم داغ تنگ تاج شاه به پیشانی همتان باقی است، صلاحیت ریاست جمهوری را به رسمیت می شناسد ولی برای انقلابیون کمونیست که در سراسر دنیا و در تمام تاریخ معاصر همواره تنها مدافع راستین طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش بودمانند، حق شرکت در انتخابات ریاست جمهوری را سلب کرده است.

ما به قانون اساسی رأی ندادیم زیرا این قانون سرمایه داری از آن خواست های حداقلی را که مردم به خاطر به دست آوردن آنها قیام کردند، نادیده گرفته ولی در عوض راه را برای تحقق خواست های طبقه سرمایه دار ایران که با هزاران رشته به امپریالیسم وابسته است، همچنان باز و هموار گذارده است. گذشته از این آشکارترین تناقض قانون اساسی همین است که از یکسو اصل "ولایت فقیه" را مبنا قرار می دهد و از سوی دیگر سیستم حکومتی را جمهوری معرفی نموده و نوعی انتخابات را در این رابطه تجویز می نماید.

امروز بنا بر آنچه که پیش بینی می شد، تضادها و اختلافات بین دو جناح جمهوری اسلامی کسبه نمایندگان طبقات متضادی در جامعه هستند، روز به روز عمیق تر می شود و مطابق آنچه که مشاهده می کنیم، جناح سرمایه داران لیبرال دست در دست امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا خواهان حفظ و تحکیم همان نظام وابسته به امپریالیسم است و جناح خرده بورژوازی، همان جناحی که از مرکز جاسوسی آمریکا نظرات خود را انتشار می دهد، خواهان ادامه مبارزه با آمریکا است. به اعتقاد ما، مبارزه انتخاباتی

مردم میهن ما تا قطع کامل سلطه امپریالیسم آمریکا به مبارزات خود ادامه خواهند داد

راه رشد غیر سرمایه داری و "حزب توده"

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است

"دبالکتیک تاریخ چنان است که پیروزی مارکسیسم در رشته تئوری، دشمنان او را وادار می کند که به لباس مارکسیست درآیند"
لنین - مقدرات تاریخی

یکی از تجدید نظرهای اساسی که توسط رویزیونیست ها در اصول مسلم مارکسیسم - لنینیسم صورت گرفته و تاکنون ضربات بزرگی به جنبش کارگری جهانی وارد ساخته است، تحریف اصول لنینیسم در انقلاب دمکراتیک است که امروز تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" تبلیغ می شود. رویزیونیست ها به ویژه پس از کنفرانس احزاب کمونیستی و کارگری سال ۱۹۵۷ با دستاویز کردن نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" کوشیده اند مفهوم صف مستقل پرولتاریا را دگرگون جلوه داده و همزیستی پرولتاریا را در انقلاب های دمکراتیک نفی کند و بدینسان جنبش های کارگری و جنبش های دمکراتیک جهان را به شکست بکشاند. از این روست که شناخت نظرات رویزیونیست ها در مورد "راه رشد غیر سرمایه داری" برای جنبش کمونیستی جهانی امروز از اهمیت زیادی برخوردار است.

ببینیم بنیان گذاران مارکسیسم - لنینیسم درباره "راه رشد غیر سرمایه داری" چه اشاراتی داشته اند

مسئله "راه رشد غیر سرمایه داری" متناهی حذف یک مرحله تاریخی - اقتصادی در مسیر تاریخ یک جامعه خاص برای اولین بار بطور نظری توسط بنیان گذاران ارکسیسم اجمالاً مورد بررسی قرار گرفت.

این تز برای نخستین بار با طرح صاف امکان جنبش از فرما سونهای ولیم مشرتی به فتوالیم بدون طی راه بردمداری، راهگشای ساجشی کرایین زمینه شد. امکان مخف شدن فرما سون خاص همانطور که از لابلای آثار مارکس و نگلسن مشهود است، نافی قوانین عام مارکسیستی که عبارت از ضرورت طی مراحل تکامل تاریخی اقتصادی - اجتماعی از مرحله ای به مرحله بالاتر است، نیست. بلکه چنین حذفی بمثابة یک واقعیت تاریخی در مرحله ای که از نظر تاریخی یک فرما سون شکل و مضمون مترقی خود را از دست داده است و امکان جانشینی نظام اجتماعی مترقی در آن مرحله تاریخی وجود دارد الزامی است.

بنیان گذاران مارکسیسم - لنینیسم هرگاه که به امکان گذار جوامع پیش از سرمایه داری به سرمایه لیسم بدون گذشتن از سرمایه داری اشاره کرده اند، قاطعانه به رهبری کمونیست ها تاکید کرده اند و در جوامعی که پرولتاریا حتی نخستین مرحله حیات خود را طی نکرده اند و در شرایطی که وجه تولید سرمایه داری غالب نیست، بازم همزبونی پرولتاریا را در نظر داشته اند.

لنین در مقاله "تجدید چین طی بررسی سهرمان عمده در چین و تسخیر سوسیالیسم چینی" این سه حزب یعنی حزب رادیکال سوسیالیست درباره آنها

می گوید: "اصولاً هیچگونه سوسیالیستی وجود ندارد. . . . او در مورد حزبی که سونیات سن در راس آن قرار دارد، چنین می گوید: "رهبر این حزب دکتر سونیات سن به خصوص به تنظیم نقشه شبکه راه آهن پهناوری مشغول است (برای اطلاع نارودنیکهای روسی: سونیات سن این اقدام را به خاطر آن انجام می دهد که چنین سرنوشت سرمایه داری را دور بزند!) می بینیم که لنین چگونه سوسیالیسم نخلی، دمکراتیک، انقلابی را به یاد استهزاء می گیرد و چگونه ماهیت بورژوازی عملکردهای اقتصادی آن را تحت نام های سوسیالیسم و دوزدن سرمایه داری افشاء می کند و نشان می دهد که حتی رادیکال ترین دمکراتهای انقلابی نیز نمی توانند "راه رشد غیر سرمایه داری" را رهبری کنند. در پایان مقاله لنین نتیجه درخشان خود را به این صورت بیان می دارد:

"آزادی چین را اتحاد دمکراسی دهقانی و بورژوازی لیبرال بسسه دست آورده است. آیا دهقانانی که حزب پرولتاریا رهبریشان نمی کند، خواهند توانست مواضع دمکراتیک خود را علیه لیبرالهایی که فقط منتظر فرصت مناسب هستند تا به سمت راست بجهت، حفظ کنند؟"

رهبری به دست کمونیست ها و پرولتاریا باشد این جوامع می توانند میان برزده و بدون گذشتن از مرحله سرمایه داری به سوسیالیسم برسند. لنین در گزارش کمیسیون مسایل ملی و مستعمراتی در کنگره دوم کمینترن چنین می گوید: "طرح مسئله به این شکل بود: آیا ما می توانیم این ادعا را صحیح بشماریم که مرحله سرمایه داری تکامل اقتصادی، برای آن ملتهای عقب افتاده که اکنون آزاد می شوند و در میان آنها اکنون پس از جنگ، جنبش در راه ترقی مشاهده می گردد اجتناب ناپذیر است؟ ما به ایسن

رویزیونیست ها با دستاویز کردن نظریه "راه رشد غیر سرمایه داری" می کوشند مفهوم صف مستقل پرولتاریا را دگرگون جلوه داده و رهبری طبقه کارگر را در انقلاب های دمکراتیک نفی کنند.

پرش پاسخ منفی دادیم. لنین این سخنان را در برابر آن عقاید اکونومیستی و واپسگرایانه ای اظهار می دارد که معتقد بودند جوامع فتوالیمی و پیش از سرمایه داری حتی باید از سرمایه داری بگذشت تا سوسیالیسم برسند. در مورد تاکید رهبری در جوامع عقب افتاده و کارسود ناکس های کمونیستی در این گزارش آمده است: "کارهایی که کمونیست های روس در مستعمرات که سابقاً به تزاریم متعلق داشت در کشورهای عقب

برانگیخت. " حال بینیم که مسئله رهبری پرولتاریا در کشورهای که روابط ماقبل سرمایه داری بر آن حاکم است و با حتی مسئله "تفکر مستقل سیاسی" توده ها که برای رهائی کامل کشورهای تحت سلطه چه از نظر سیاسی و چه از نظر اقتصادی و طی مراحل تکامل بدون گذار از سرمایه داری نقشی تعیین کننده دارد، چگونه تحریف و واین نقش تاریخی پرولتری و ایدئولوژی مارکسیست - لنینیستی چگونه از جانب دشمنان مارکسیسم - لنینیسم خدشه دار می شود.

پرش پاسخ منفی دادیم. لنین این سخنان را در برابر آن عقاید اکونومیستی و واپسگرایانه ای اظهار می دارد که معتقد بودند جوامع فتوالیمی و پیش از سرمایه داری حتی باید از سرمایه داری بگذشت تا سوسیالیسم برسند. در مورد تاکید رهبری در جوامع عقب افتاده و کارسود ناکس های کمونیستی در این گزارش آمده است: "کارهایی که کمونیست های روس در مستعمرات که سابقاً به تزاریم متعلق داشت در کشورهای عقب

پرش پاسخ منفی دادیم. لنین این سخنان را در برابر آن عقاید اکونومیستی و واپسگرایانه ای اظهار می دارد که معتقد بودند جوامع فتوالیمی و پیش از سرمایه داری حتی باید از سرمایه داری بگذشت تا سوسیالیسم برسند. در مورد تاکید رهبری در جوامع عقب افتاده و کارسود ناکس های کمونیستی در این گزارش آمده است: "کارهایی که کمونیست های روس در مستعمرات که سابقاً به تزاریم متعلق داشت در کشورهای عقب

خرده بورژوا می دانند. یکی از انحراف های اساسی دیگر رویزیونیست ها با نظریات لنین آن است که رهبر بزرگ پرولتاریای جهان راه رشد غیر سرمایه داری را به رهبری کمونیست ها، برای جوامع فتوالیمی و پیش از سرمایه داری ارائه می داد و مشخصاً این راه را برای تسریع تکامل جوامع عقب مانده طرح می کرد. اما رویزیونیست ها راه رشد غیر سرمایه داری به رهبری خرده بورژوازی را برای جوامع سرمایه داری که صد ها هزار پرولتاریای صنعتی دارد نیز تجویز می کنند که این خود تلاشی است برای متوقف ساختن تاریخ و جلوگیری از تکامل جوامع عقب مانده است. این تحریف بی شرمانه عقاید درخشان لنینی است. در همین ما چرمدار این عقاید رویزیونیستی "حزب توده" است.

در نشریه تئوریک و سیاسی "به سوی حزب" وابسته به "حزب توده" مقاله ای تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" آمده است که در آن طی تشریح "مفهوم لنینی" راه رشد غیر سرمایه داری بر کشورهای آسیایی و آفریقایی که به راه رشد غیر سرمایه داری وارد شده اند تاکید شده است.

این نشریه چنین می نویسد: "رهبری رشد غیر سرمایه داری این کشورها را نیروهای دموکراسی انقلابی طی برعهده دارند که در یک رشته از مسایل اساسی به مواضع سوسیالیسم علمی نزدیک می شوند. در همین نشریه از قبول اولیانفسکی چنین آمده است: "نظریه مارکسیستی این رشد (منظور رشد راه غیر سرمایه داری) بر آن است که نیروهای سیاسی کشورهای آسیایی که راه رشد غیر سرمایه داری را برگزیده اند به سوی سوسیالیسم سمت گیری می کنند. . . رهبری انجام دگرگونی های

غیر سرمایه داری را دموکرات های انقلابی طی که معمولاً دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال هستند، به عهده دارند. آنها از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم بطور کامل تبعیت نمی کنند. . . . حال باید گفت که این انقلابی دمکرات های طی که دارای منشأ خرده بورژوازی رادیکال بوده و از ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم کاملاً تبعیت نمی کنند اگر سوسیالیسم هدف آنها است پس چه تفاوتی با پرولتاریا دارد؟ و اگر با ایدئولوژی خرده بورژوازی می خواهد "به سوی سوسیالیسم حرکت" کند پس ایدئولوژی مارکسیسم - لنینیسم چه ارزشی دارد؟ و اگر انجام دگرگونی های انقلابی دگرگانی و دگرگونی می شود

گذار بندی به سوسیالیسم فراهم می سازد. ضمناً در این جبهه توده های زحمتکش غیر پرولتر که به ناگه شای آنها بطور عمده روشنفکران خرده بورژوا هستند، تفوق خواهند داشت. . . . جناب اولیانفسکی و نه دیگر تئوری با فان "راه رشد غیر سرمایه داری" هیچ کدام توضیح نمی دهند که قانونتندی های "راه رشد غیر سرمایه داری" چیست؟

می بینیم که لنین مهمترین شرط راه رشد غیر سرمایه داری را رهبری کمونیست ها و حزب پرولتاریا می داند و مشخصاً حتی در شرایطی که پرولتاریای صنعتی وجود ندارد ایجاد صف مستقل را ممکن می شمارد. اما سوسیالیسم تنها چیزی است که اساساً قبول ندارند رهبری کمونیست ها است. آنها در جهت برخلاف عقاید درخشان لنین شرط پیروزی راه رشد غیر سرمایه داری را رهبری روشنفکران

حزب توده و دیگر رویزیونیست ها برخلاف عقاید درخشان لنین، اساساً رهبری کمونیست ها را قبول ندارند و شرط پیروزی "راه رشد غیر سرمایه داری" را رهبری روشنفکران خرده بورژوا می دانند.

افتاده ای مانند ترکستان و غیره، این مسئله را در قبال ما قرار داد که چگونه تاکتیک و سیاست کمونیستی را در شرایط ماقبل سرمایه داری به کار بندیم. زیرا مهمترین خصالت بازی این کشورها آن است که در آنها هنوز روابط ماقبل سرمایه داری حکم فرماست و به این جهت در آنجا ممکن نیست صحتی هم از جنبش صریحاً پرولتاریائی در بین باشد. در این کشورها تقریباً پرولتاریای صنعتی وجود ندارد. با وجود اینها ما در آنجا نقش رهبری را به عهده خود گرفتیم و موفق بودیم به عهده بگیریم. کار، به ما نشان داد که در این کشورها باید مشکلات عظیمی را مرتفع کرده و گذشته از این نتیجه عملی کار ما همچنان نشان داد که با وجود این مشکلات حتی در آنجائی که تقریباً پرولتاریا وجود ندارد می توان در توده ها تمایل به تفکر مستقل سیاسی و تمایل به فعالیت مستقل سیاسی را

لنین در پایان مقاله اشاره می کند که چنین چیزی امکان ندارد. او بدین ترتیب نشان می دهد که بدون حزب پرولتاریا و رهبری پرولتاریا نتنها راه سرمایه داری میان برزده نمی شود بلکه حتی مواضع دمکراتیک نیروها علیه بورژوازی لیبرال حفظ نخواهد شد. اساساً مقصود لنین از "راه رشد غیر سرمایه داری" آن است که گذار از یک مرحله ماقبل سرمایه داری به سوسیالیسم بعنوان یک واقعیت انکار ناپذیر تاریخی و با وجود پیش شرطهای ضروری (که ما به آن اشاره خواهیم کرد) امکان پذیر است اما وقتی در چگونگی این پیش شرطها تجدید نظر شود این تسخیر نه تنها ارزش لنینیستی خود را از دست خواهد داد، بلکه دقیقاً مخالف اصول اساسی مارکسیسم - لنینیسم است. بهرواضح است که مقصود لنین و سایر رهبران بزرگ جنبش کمونیستی از به پیش کشیدن تز راه رشد غیر سرمایه داری این بود که جوامع پیش از سرمایه داری حتی نباید از سرمایه داری بگذشت تا به سوسیالیسم برسند. بلکه اگر

گسیخته نادر همه وابستگی های اقتصادی، سیاسی، نظامی و

بقیه از صفحه ۱

فرار شاه، تجلی اراده...

بهردازد و البته خلق ما فراموش نمی‌کند که چنین نوصیای درآمد تنها پیش مهدی بازرگان به امپریالیسم آمریکا کرده بود.

روز ۲۶ دی در تاریخ مبارزات خلق ما روزی فراموش ناشدنی است سیل خروشان توده‌ها شاه را از ایران بیرون راند، مردم به کوچه‌ها و خیابان‌ها می‌ریزند و بی‌اعتنا به سازشکاران و تسلیم طلبانی که مردم را از دخالت ارتش می‌ترسانند مجسمه‌های خاندان پهلوی را بر زمین می‌اندازند و چنین کساری را حتی در زیر رگبار گلوله‌های ارتش ضد خلقی شاه انجام می‌دهند.

توده‌های میلیونی در خیابان‌ها و میادین با مشت‌های کرده کرده

سرکردگی امپریالیسم آمریکا حامی آن بود، دژ خمی که یکی از مخوفترین شبکه‌های پلیسی تاریخ را در اختیار داشت، شاهنشاهی که در راس ارتش ضد خلقی خود را قادر مطلق می‌پنداشت و هرگز تصور نمی‌کرد که زحمتکشان ایران بتوانند در برابر نیروی عظیم او پایداری کنند روز ۱۴ آبان برای نخستین بار در برابر نیروی لایزال خلق ما زانو زد. او در این روز در صفحه تلویزیون ظاهر شد و با فروتنی عجیبی که اصلاً شایسته مقام سلطنت نبود و با مودبگری تمام کوشید خود را از کرده‌های خویش پشیمان جلوه دهد و به اصطلاح نوبه کند.



شعار می‌دهند "بعد از شاه نوبت امریکا است." روز ۲۶ دی توده‌ها قدرت لایزال خود را به چشم دیدند، مبارزات توده‌ها بزرگترین جلاد تاریخ را سرنگون ساخته بود "شاه رفت و چندی بعد پیام شکوهند و خونین خلقهای ایران یکبار دیگر داغ تنگی بر پیشانی سازشکاران، دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا بر جای نهاد.

بساط ننگین شاهنشاهی پهلوی برچیده شد، لیکن هنوز امپریالیسم و طبقه سرمایه‌دار ایران علیه مردم ضرباتی که بر آن وارد آورده‌ام، بر جای باقیمت و همچنان دست‌اندرکار است.

سرمایه‌داران لیبرال پس از بهره‌گیری از هراس روحانیست از انقلابیون کمونیست به مراکز قدرت خزیدند و به شرف انقلاب را سد کردند.

بعد از شاه نوبت امریکا است این شعار هنوز بر تارک مبارزات ضد امپریالیستی - دمکراتیک مردم ما می‌درخشد. توده‌های میلیونی شاه را بیرون کردند و در این راه طبقه کارگر نقش اصلی را برعهده داشت.

بیرون کردن امریکا تنها از عهده رهبری طبقه کارگر ایران ساخته است.

اینبار طبقه کارگر، زحمتکشان را زیر پرچم خود گرد خواهد آورد. مردم را متحد خواهد ساخت و ایران آزاد و دمکراتیک فردا را که در آن فقیر و گرسنگی و بی‌کاری و بی‌خانمانی و جهالت و اختناق رو به نابودی خواهد نهاد، برپا خواهد ساخت.

همراه با بزرگداشت مبارزات خلقهای قهرمان ایران، خاطره شهدای خوزستان را که در روز ۲۷ دی به انتقام مبارزات دلیرانه‌شان به دست ارتش ضد خلقی به شهادت رسیدند، گرامی می‌داریم.

او گفت "هن صدای انقلاب شما را شنیده‌ام و آن را می‌پذیرم او گفت که قول می‌دهم که دیگر اشتباهات گذشته را تکرار نکنم." اما خلقهای قهرمان ما دیگر آگاه تر و معصم تر از آن بودند که حتی لحظه‌ای هم از مبارزه برای سرنگونی یک زنجیری امپریالیسم آمریکا و نظام پوسیده شاهنشاهی درنگ کنند. توده‌ها فریاد برآوردند که "شاه توبه کرده توبه گریز مرگه". مردم فریب تبلیغات عوام‌فریبانه را دیو تلویزیون را نخوردند، مردم قدرت ارتش ضد خلقی را به هیچ گرفتند، مردم به خوبی دریافتند که "شاهنشاه آرا می‌بهر چو آتاه این حد در مانده گشته و به به التماس افتاده است.

مردم بی‌اعتنا به تبلیغات زهرآگین سرمایه‌داران لیبرال، و جناح روحانیون میانه رو که می‌گفتند حال که شاه توبه کرده و قول اصلاحات داده است بنشینید و دست از مبارزه بردارید و دست همکاری به رژیم بدهید، به مبارزات خونین خود ادامه دادند و سرانجام امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داری وابسته به آن را مجبور ساختند که دست از حمایت شاه بردارند.

امپریالیسم آمریکا که تا آخرین روزهای فرار شاه، از او حمایت می‌کرد، با رشد جنبش توده‌ای به هوای افتاد و برای جلوگیری از رشد جنبش و حفظ ارتش ایران جنبه ملی را مناسب تر از شاه تشخیص داد. امپریالیسم آمریکا بختیار جنا پتکار راه‌نخست‌وزیری برگزید و به شاه این سک و وفادار خود اعلام داشت که دیگر قادر نیست از وی حمایت کند و بهتراست شاه برای حفظ تاج و تخت سلطنت و حفظ منافع خود و امپریالیسم آمریکا یک چند به استراحت

به حزب توده پیوسته اند؟

کوچک‌ترین ارتباطی با سازمان ما و صرفاً به خاطر مطالعه چند داستان و نقدی که بر یکی از این داستان‌ها نوشته بودند، به دست ساواک اسیر شدند. در همان ابتدا رهبرایین محفل دانش‌آموزی به خاطر سر بی‌تجربگی و ترس زیاد، با پلیس همکاری کرد و آزاد شد. بقیه این دانش‌آموزان به خاطر صداقتی که از خود نشان دادند و فضای سالمی که در آن بود بکتابتوری محمدرضاشاهی که حتی مطالعه یک اعلامیه نیروهای انقلابی، محکومیت و زندان‌های طولانی مدت به همراه داشت، در زندان باقی ماندند و در زیر فشارهای پلیس سیاسی در زندان نتوانستند آنگونه که باید از تجربیات انقلابی درس بگیرند. این بود که اغلب آنها در همان زندان توده‌ای شدند. یکی دو نفر دیگر پس از آزادی از زندان به خاطر روابط دوستانه و محفلی که با دیگر دوستان خود داشتند، به بقیه پیوستند و به قول خودشان خورشید بی‌فروغ را زیارت کردند.

از جمله مسائل دیگری که برای این دانش‌آموزان باعث ابهام گردید ما است که خود را "گروه هواداران سازمان چریکهای فدائی

با تبلیغاتی که روزنامه "مردم" پیرامون اصطلاح پیوستن "گروهی از هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران" به "خورشید تابناک حزب توده" به راه انداخته و افتخاری که از این جهت نصیب "کمیته مرکزی" این "حزب طراز نوین طبقه کارگر" شده است و سرمستی و شغفی که به دیگر "توده‌ها" دست داده‌لازم دانستیم درباره این "سالمها" نبرد طولانی و این جوانان به اصطلاح "پرورشوری" که به قول روزنامه "مردم" از "عشق خورشید مارکسیسم-لنینیسم" سوخته و طی سالها نبرد طولانی آبدیده شده، از آب و آتش گذشته و بلاخره به معبود خود رسیده‌اند "در پس دامنه کوه پرافتخار حزب توده خورشید مارکسیسم-لنینیسم" بی‌فروغ "توده‌ها" را "زیارت کردند" و "راه طبقه کارگر"، "راه سوسیالیسم" را در پیگر فروت و پوسیده حزب توده یافتند، مختصری توضیح دهیم این گروه و به قول "حزب توده" "هواداران سابق" در حقیقت یک محفل دانش‌آموزی مرکب از ۷-۸ نفر بودند که در اوج اختناق و بگیر و ببندهای ساواک - بدون

راه رشد غیر سرمایه داری و...

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است می‌ریزد و در قطعه راه پیمایی ۸ دی ماه اعلام می‌داریم که این سیاست "آب به آسب" سرمایه‌داران لیبرال می‌ریزد و به نوبه خود به سرمایه داری وابسته باری می‌ریزند.

این تراژدی در کشورهای مصر، عراق و برخی از کشورهای دیگر تاکنون اتفاق افتاده و در کشورهای نظیر سوریه، سومالی و امپریالیسم نیز در حال تکوین است.

احزاب ریزبینیستی کشورهای فوق که ماهیتا همان "حزب توده" هستند با دنباله‌روی از خرد بورژوازی و جلوگیری از تشکیل صف مستقل طبقه کارگر سبب شدند که خرد بورژوازی در غیاب صف مستقل طبقه کارگر رهبری بورژوازی وابسته را بپذیرد و با تحکیم سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته همه نیروهای که در انقلاب دمکراتیک متحد یکدیگرند سرکوب شوند.

اینک "حزب توده" می‌کوشد همان نقش را در مهین ما بازی کند و تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" همان راه رشد سرمایه داری را به نام "حزب توده" به شکل صف مستقل پروتاریا که ضامن پیروزی خلق‌های ما به امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن است، جلوگیری کند. این است آنچه را ما به نام "توده" علیه توده به نام "مردم" علیه مردم و به نام "طبقه کارگر" علیه طبقه کارگر نامیده‌ام.

راه رشد غیر سرمایه داری حزب توده همان راه رشد سرمایه داری وابسته است می‌ریزد و در قطعه راه پیمایی ۸ دی ماه اعلام می‌داریم که این سیاست "آب به آسب" سرمایه‌داران لیبرال می‌ریزد و به نوبه خود به سرمایه داری وابسته باری می‌ریزند.

این تراژدی در کشورهای مصر، عراق و برخی از کشورهای دیگر تاکنون اتفاق افتاده و در کشورهای نظیر سوریه، سومالی و امپریالیسم نیز در حال تکوین است.

احزاب ریزبینیستی کشورهای فوق که ماهیتا همان "حزب توده" هستند با دنباله‌روی از خرد بورژوازی و جلوگیری از تشکیل صف مستقل طبقه کارگر سبب شدند که خرد بورژوازی در غیاب صف مستقل طبقه کارگر رهبری بورژوازی وابسته را بپذیرد و با تحکیم سلطه امپریالیسم و سرمایه داری وابسته همه نیروهای که در انقلاب دمکراتیک متحد یکدیگرند سرکوب شوند.

اینک "حزب توده" می‌کوشد همان نقش را در مهین ما بازی کند و تحت عنوان "راه رشد غیر سرمایه داری" همان راه رشد سرمایه داری را به نام "حزب توده" به شکل صف مستقل پروتاریا که ضامن پیروزی خلق‌های ما به امپریالیسم و سرمایه داری وابسته به آن است، جلوگیری کند. این است آنچه را ما به نام "توده" علیه توده به نام "مردم" علیه مردم و به نام "طبقه کارگر" علیه طبقه کارگر نامیده‌ام.

چه کسانی

به حزب توده پیوسته اند؟

کوچک‌ترین ارتباطی با سازمان ما و صرفاً به خاطر مطالعه چند داستان و نقدی که بر یکی از این داستان‌ها نوشته بودند، به دست ساواک اسیر شدند. در همان ابتدا رهبرایین محفل دانش‌آموزی به خاطر سر بی‌تجربگی و ترس زیاد، با پلیس همکاری کرد و آزاد شد. بقیه این دانش‌آموزان به خاطر صداقتی که از خود نشان دادند و فضای سالمی که در آن بود بکتابتوری محمدرضاشاهی که حتی مطالعه یک اعلامیه نیروهای انقلابی، محکومیت و زندان‌های طولانی مدت به همراه داشت، در زندان باقی ماندند و در زیر فشارهای پلیس سیاسی در زندان نتوانستند آنگونه که باید از تجربیات انقلابی درس بگیرند. این بود که اغلب آنها در همان زندان توده‌ای شدند. یکی دو نفر دیگر پس از آزادی از زندان به خاطر روابط دوستانه و محفلی که با دیگر دوستان خود داشتند، به بقیه پیوستند و به قول خودشان خورشید بی‌فروغ را زیارت کردند.

از جمله مسائل دیگری که برای این دانش‌آموزان باعث ابهام گردید ما است که خود را "گروه هواداران سازمان چریکهای فدائی

فرهنگی با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا

پاسخ به پرسشها:

چرا ولایت فقیه بیانگر آرمانخواهی و افس گرایانه خرده بورژوازی است؟

پرسش:

رفقا از وقتی که ضمیمه کار ۳۵ بیرون آمد دو مسئله در رابطه با آن خیلی مورد بحث و بررسی قرار گرفت. یکی کم و کیف آرمانخواهی خرده بورژوازیست و دیگری علت درهم شکستن "دکم" آن است.

آنچه برای من مشکل ایجاد کرده است، این است که مبنای "آرمانخواهی و افس گرایی" و "آئینده نگری" خرده بورژوازی چیست و چرا ولایت فقیه بیانگر آرمانخواهی و افس گرایی خرده بورژوازی است؟

پاسخ:

خرده بورژوازی مجموعه ای است از اقشار متعدد که در تقسیم کار اجتماعی موقعیتی مشابه و وظایفی متفاوت دارند.

خرده بورژوازی در دهه مالکین وسائل تولید قرار دارد و در عین حال تحت سلطه و ستم مالکیت بزرگ و امپریالیسم است. خرده بورژوازی از یک سو با مالکیت خصوصی است و از سوی دیگر با مالکیت بزرگ درگیر است. هم خواهان افزایش ثروت شخصی است و هم با ثروت های تکران دشمنی دارد. او در مقابل سرمایه داران بزرگ و امپریالیسم به پرولتاریا نزدیک می شود و از ترس پرولتاریا آسانه پناه بردن به سرمایه داران است. در پیکار با امپریالیسم و سرمایه داری بزرگ نقش منفی ایفا می کند و در دفاع از مالکیت خصوصی و مقابله با پرولتاریا مصلحتی ارتجاعی دارد. خرده بورژوازی تحت رهبری پرولتاریا انقلابی است، تحت رهبری بورژوازی ارتجاعی است و تحت رهبری خودش منزلقزل، سازشکار، سرشار از دوگانگی و التقاطی است. او بنا بر اینکه متحد کدام طبقه باشد و علیه کدام طبقه مبارزه کند، می تواند سمت گیری های متفاوتی داشته باشد. لیکن در شرایط سرمایه داری وابسته و سلطه امپریالیسم خرده بورژوازی در مجموع سمت گیری ضد امپریالیستی و ضد سرمایه داری وابسته دارد. لذا در اساس متحد پرولتاریا در مبارزه علیه سلطه امپریالیسم و سیستم سرمایه داری وابسته است.

تحت یک وضعیت اقتصادی اجتماعی مشخص خرده بورژوازی با موقعیت اقتصادی اجتماعی خود دارای سمت گیری عینی خاصی است. این سمت گیری عینی بطور خاص در رابطه با دشمن عمده خرده بورژوازی و متحدین واقعی آن در پیکار با آن دشمن تعیین می گردد، لیکن سمت گیری حاری و با هر سیاست

تشریح کار می گوید تا از این پس به پرسشهای شما در ستون تحت عنوان "پاسخ به پرسشها" جواب دهد. این ستون بی تواند رابطه ای نزدیک تر و فعال تر میان "کار" و خوانندگان برقرار نموده و بنوبه خود در اعتلا آگاهی خوانندگان و توضیح مواضع سازمان نقش موثری ایفا نماید. بدیهی است که کثرت مطالب و محدودیت های نشریه مانع از آن است که ما هر هفته به همه سئوالات در این ستون پاسخ دهیم. لذا با تاکید بر کیفیت می گوئیم تا از میان مجموع سئوالات یک یا چندتا را که بیشتر مورد تاکید قرار گرفته و در عین حال جنبه عمومی نیز دارد، انتخاب کنیم و به آنها پاسخ بدهیم.

از آنجا که هدف ما ایجاد رابطه ای فعال و دو جانبه می باشد، لذا این ستون بطور یک جانبه به پاسخهای نشریه اختصاص ندارد، بلکه می گوئیم تا نظریات رفقا را نیز در حد امکان منعکس نمائیم. بر این اساس در هر شماره ضمن اینکه به یک یا چند سئوال پاسخ می دهیم، از میان سئوالات طرح شده یک یا چندتا را انتخاب کرده و در آخر ستون درج می نمائیم.

رفقا می توانند به سئوالات طرح شده (با در نظر گرفتن ظرفیت ستون مربوطه) پاسخ داده و پاسخهای خود را نیز برای ما بفرستند. ما از میان پاسخهای رسیده، چنانکه پاسخی درست و قابل درج باشد، آنرا در همین ستون چاپ می کنیم.

چنانچه نشریه "کار" در مورد پاسخهای رسیده و قابل چاپ نظری داشته باشد، آنهم در پائین ستون برای اطلاع خوانندگان ذکر می شود.

خرده بورژوازی لروما و حتماً آن سمت گیری واقعی و ضروری را منعکس نمی کند. سایرین شاید هر حرکت سیاسی خرده بورژوازی را مکتبک تغییر ماهیت مبارزاتی خرده بورژوازی فرار داد، بلکه مالکیت باید در بزور و تحت حمایت دولت و سمت گیری واقعی خرده بورژوازی، سرمایه های بزرگ است. خرده بورژوازی در جهت با من خواستهای فوری و دگر خواستهای خود مایل به تحریک سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم است. او با حسی می تواند درک کند که چه جبهه ای را برای خود و در صورت امکان بردارد اما نمی تواند سیستم بوس

خرده بورژوازی تحت رهبری پرولتاریا انقلابی است، تحت رهبری بورژوازی ارتجاعی است و تحت رهبری خودی منزلقزل، سازشکار سرشار از دوگانگی و التقاطی است.

کم و کیف سیاست های جاری خرده بورژوازی را ارزیابی نمود و موقعیت یا شکست آنها را بررسی کرد. در عین حال نباید فراموش کرد که تعدد اشکال مبارزه و سیاست های خرده بورژوازی منعکس می گردد و بنابراین، اینکه کدام قشر پرچمدار مبارزه این نیروها باشد، تفاوت هائی در کم و کیف پیشبرد مبارزه آن پدید می آید.

حیثیت توده های ایران تحت رهبری خرده بورژوازی بود. رهبری خرده بورژوازی در این جنبش به دست روحانیت بود. روحانیت بطور خاص بر خرده بورژوازی سنتی (تولید و توزیع خرد) متکی بود و این بخش از خرده بورژوازی را نمایندگی می کرد. خرده بورژوازی سنتی ضد امپریالیست و ضد انحصار و سرمایه بزرگ است. او می خواهد تا وضع را به گونه ای اصلاح کند که برای تولید و توزیع خرد فضای حیاتی و شرایط مساعدی فراهم گردد. او می خواهد سرمایه خرد را در پناه سرمایه های دولتی و با قدرت سیاسی از تعرض سرمایه های بزرگ مصون دارد. در این میان امپریالیسم دشمن اصلی اوست و هدف واقعی مبارزه او سلطه امپریالیسم و دیکتاتوری اقتصادی سیاسی

لدا با در هوا و سرگردان مباد و سر از مدسه فاصله در می آورد. مدینه فاصله تجسم آرمانخواهی خرده بورژوازی است و دیاری است موهوم که در آن عسیت معلوب دهنت و فواص عینی مطبوع نمایلات دهی می گردد. مدینه فاصله بر مستوری اخلاقی اسوار است که همراه رعایت حد و حدود دعوت می کند و آجاکه اس جد و حدود بر هیچ عینی اسوار نیستند. "لروما" اخلاق و "تقوا" عینی احترام به حد و حدود مقرر شده و رعایت آنها مورد تاکید قرار می گیرد. و در سلوچه منشور مدینه اعلام می کرد که روال شهر آرمای از اسوا آغاز می شود که تقوا و اخلاق است گردد.

سیستمی که توسط خرده بورژوازی ارائه می شود و با چکده مدینه فاصله مورد بطراوه و کوه کوه شکل می گیرد. یکی با تاکید بر دوران طلائی گذشته و دیگری با تاکید بر دوران کدائی آینده. در نوع اول خرده بورژوازی در حسوی مدینه فاصله خود به اعماق قرون وسطی سفر می کند و از هر دینار غسبتی بر می گیرد و با مصالح وابستگن روزهای فتودالسم که هور سرمایه بزرگ راه کس و کار بر او بسته بود سپر را بنامی کند و در این روست فرهنگ و سنت آن دوره را وسله ای جهت پیسرت کار قرار می دهد.

خرده بورژوازی سنتی مایر همین سباق به توضیح جامعه عدل می پردازد و بر بی عدالتی های ناشی از سلطه امپریالیسم و استقرار نظام سرمایه داری وابسته به آن می تازد. بدینگونه خرده بورژوازی برای نجات خود چشم به گذشته می دوزد و مدینه فاصله خود را از اعماق قرون وسطی منعکس می سازد. و اما نوع دوم مدینه فاصله خرده بورژوازی که از بازگشت وضع قدیم مایوس می شود، می گوید تا به آینده امید ببندد. به همین علت مدینه خود را بصورتی مجازی در آنسوی نظام سرمایه داری بنامی کند و سوسیالیسمی تخیلی و خورده بورژوازی را در مفهوم جامعه بی طبقه توحیدی در انظار به نمایش می گذارد.

بدینگونه آرمانخواهی خورده بورژوازی در قالب مدینه های فاصله مجسم می شود، بنا بر اینکه در دوران کالائی گذشته پادوره کدائی آینده متکی باشد، بیانگر آرمانخواهی گذشته گرا یا آینده گرای اوست. ولایت فقیه منشور آن مدینه فاصله ای است که بر واپس گیری خرده بورژوازی تکیه دارد و با مصالح دوران فتودالسم رویهم سوار شده است. ولایت فقیه تصویری مجازی آرزوهای خرده بورژوازی سنی را در اعماق قرون وسطی ترسیم می کند. در برابر آن جامعه بی طبقه توحیدی تجسم این مدینه در آن سوی بورژوازی و در آینده ای گنگ و مهالود است.

هزاران نفر از مردم مبارز گیلان در راهپیمایی ضد امپریالیستی خود شعار می دادند:

خلفها می رزمند، سازشکاران می لرزند

به دعوت سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شاخه گیلان هزاران نفر از مردم مبارز این منطقه به منظور افشای بیشتر سرمایه داران لبرال و درهم شکستن توطئه های امپریالیستی این عناصر و مزدوران انحصارات وابسته به راهپیمایی پرداختند. غریو پرشکوه هزاران نفر در آسمان شهر چنین طنین می انداخت:

خلفها می رزمند، سازشکاران می لرزند. سبل عظیم جمعیت تظاهر کننده از دبیرستان آزادگان آغاز به راهپیمایی کردند. آنان در حالیکه شعارهایی در رابطه با گسترش مبارزه ضد امپریالیستی، محکوم کردن عناصر سازشکار و افشای سرمایه داران لبرال این همدستان واقعی امپریالیسم امریکا و نیسز شعارهایی به مناسبت سالروز انقلاب فلسطین و حمایت از صلح دمکراتیک در کردستان و محکوم کردن جنگ افروزی در کردستان می دادند.

سراجم جمعیت تظاهر کنند به خیابان سردار جنگل رسیدند. در این خیابان قطعنامه راهپیمایی فراتر گردید.

بعضی از شعارهای راهپیمایان به شرح زیر بود: "شاعر فدائی استقلال، کار، مسکن، آزادی" "زحمتکشان ایران نبرد با امریکا تا قطع وابستگی" در قسمتی از قطعنامه امپریالیسم راهپیمایی آمده است:

مبارز گیلان! زمانی که خلق ما جانبازانانه سینه های خود را در مقابل گلوله های آتشین خصم سپر کرده بود، زمانی که بازوان پرتوان کارگران، چرخ تولید سرمایه داری را از حرکت باز داشته بود، زمانی که دهقانان به یاری زحمتکشان شهر شتافته و رژیم خونخوار شاه را مستاصل کرده بودند، زمانی که پیشه وران و کسبه، دانشمندان با خروش خود خیابانها را به لاسرزه در آورده بودند، زمانی که پیشروان جنبش خلق ما با تمام وجود شکنجه دد منشانه رژیم را تحمل می کردند و پاسدار میراثهای ارزشمند مبارزات خلق بودند، سرمایه داران لبرال، ردیبلان در پی آن بودند که بروج جنبش شکوهند خلق سوار شده و آنرا در خدمت معامله با رژیم فرار دهند.

صلح دمکراتیک در کردستان باید به نفع زحمتکشان ایران برقرار شود



بدعوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن زحمتکشان ترکمن، بلوچ و زابلی، در راهپیمائی...

بقیه از صفحه ۱۲

کسور به سروری بوده‌ها، زمین‌ها به
روستائیان واگذار کرده و اداره
آن به دست شوراهای مردمی
سپرده‌سود.

مرکز بر فرصت طلبان و
سازشکاران
نابود بادتوطئه‌های
زمین‌داران بزرگ و غاصبین
علیه زحمتکشان روستاها
مستحکم باد پیوند
خلفهای سراسر ایران
پرتوان باد مبارزات صد
امپریالیستی-دمکراتیک
کارگران، دهقانان
و زحمتکشان

ستاد مرکزی شوراهای
ترکمن صحرا
۵۸/۱۰/۱۶

بند ترکمن-رور سه‌ده‌ادماه
از طرف کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن-سدر ترکمن راهپیمائی
جهت شش‌سای از آدامس
افشاکری‌های عناصر و اسب
امپریالیسم امریکاه و محسن محکوم
کردن غاصبین و زمین‌داران
بزرگ در منطقه ترکمن صحرا
انجام پذیرد.

در این راهپیمائی که هزاران
نفر از زحمتکشان شهر و روستا
شرکت نموده بودند، دسائس و
نوطئه‌های سرمایه‌داران لیسرال
محکوم گردید. دریابان این
راهپیمائی قطعنامه کانون فرهنگی
و سیاسی خلق ترکمن-سدر ترکمن
فراشت گردید.

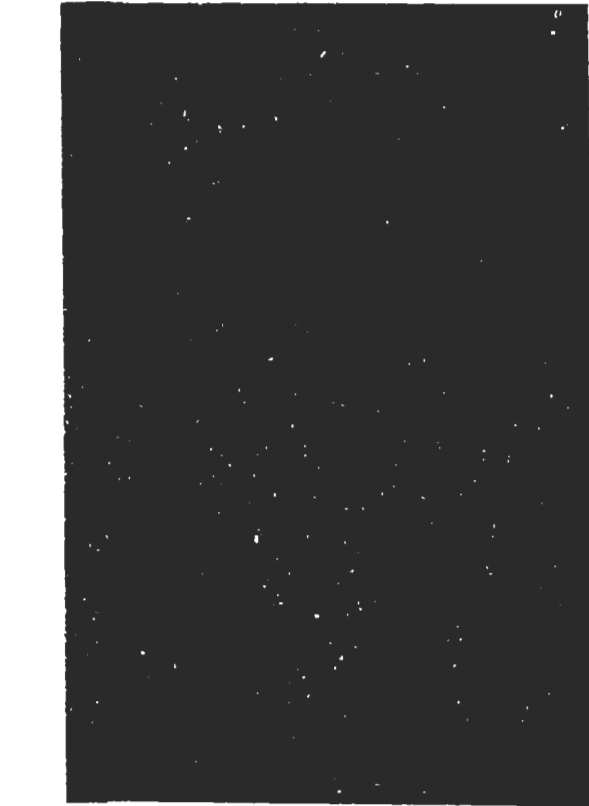
در طی راهپیمائی راهپیمایان
شعارهای زیر را تکرار می‌کردند:
"افشای امریکائی باید ادامه
یابد."

"نه سازش نه تسلیم نپذیرد
با امریکائی"
"سازشکار نابود است، انقلاب
پیروز است."
"صلح در کردستان به نفع
زحمتکشان ایجاد باید گردد"

آق‌قلا-رور پنجمه ۱۳ دیماه
از طرف کانون فرهنگی و سیاسی
خلق ترکمن-آق‌قلا، اجتماع
جهت افشای عناصر سازشکار و
سرمایه‌داری وابسته بر پا
گردید. در این گردهمایی هزاران
نفر از زحمتکشان شهر و روستا،
کسبه و دانش‌آموزان شرکت
داشتند.

گردهمایی در ساعت ۱۰ صبح با
شعارهای "خلق ما پیروز است،
امریکا نابود است"، "زحمتکش
پیروز است، سازشکار نابود است"،
آغاز گردید و در طی آن
سخنرانی‌هایی در جهت افشای
امپریالیسم و جنایات آن همچنین
چگونگی جنایات‌ها و دسائیس
سرمایه‌داران وابسته و
ضرورت ادامه افشاکری علیه آنها
همچنین جنایات غاصبین و
زمین‌داران بزرگ در منطقه انجام
پذیرفت.

در طی این اجتماع زحمتکشان
شعارهای زیر را تکرار می‌کردند:
"ایران را کورستان امریکا می‌کنیم"
"ترکمن صحرا خود مختار بی‌نفع
زحمتکشان ایجاد باید گردد"



ستم ملی و طبقاتی و سیاسی حق
لینت‌ها در عین سروسخت حویس
و اتحاد قضایی دمکراتیک برای
اتحاد ریکاراجتی همه حلقه‌های
ایران جهت مبارزات سیکر و همه
خاندان علیه امپریالیسم جهانخواز



"مستحکم پیوند زحمتکشان زابلی، بلوچ و ترکمن"

امریکا هستیم.
۴- خلق مبارز ترکمن در کنار همه
حلقه‌های تحت ستم ایران برای
کوتاه کردن دست امپریالیسم
جنایتکارو تمام عناصر وابسته به
آن و پیشبرد مبارزات صد
امپریالیستی مردم میهمانان
همانگونه که ناکون علی‌رغم همه
مشکلات و مصائبی که حاکمیت سر
راه مبارزه بیکیش علیه غاصبین
و زمین‌داران بزرگ که بانک‌ها

لیسرال و امپریالیسم به سهرس
سجوی نامین کرد.
ما سرکسندگان در راهپیمائی
یکشنبه ۱۶ دیماه مسوار در برابر
اعلام می‌داریم:
۱- ما خواهان ادامه هر چه
کسره‌های اسای سرمایه‌داران
لیسرال این حاکمین به اغلات و
حاکمیت امپریالیسم بوده و
هرگونه کوسس و تلاش مدیوحانه
برای جلوگیری از افشای حقایق را
تلاش می‌کنیم. ما مع امپریالیسم
و خلاف صافع کارگران، دهقانان
و زحمتکشان، و صداعلایستی
می‌داسم.

۲- ما کلیه اقدامات سرمایه‌داران
لیسرال را که ناکون تا خریدن سه
درون حاکمیت به عناوین مختلف
مبارزات کارگران، دهقانان و
زحمتکشان کشور را به انحراف
کسانده و جهت نامین معاصد
سند امپریالیستی حویس
دسسه و سوسند و سر سمد ار حجاج
سرکوب نموده‌ها را دسورکار حویس
مبارز داده‌اند، محکوم می‌کنیم.

۳- ما دسائس و نوطئه‌های
مخامل و عناصر وابسته
سرمایه‌داران لیسرال را که در پناه
حواست سجی و دمکراتیک حلقه‌های
ایران با ظاهر دروغین سسه
آزادخواهی و ستمی از آنان و
برای حدس به امپریالیسم و
محرّف کردن مبارزات صد
امپریالیستی بوده‌ها در سراسر
سیاس کوسی سعی در ایجاد سگاف
در معصوف متحد حلقه‌ها

زحمتکشان شهر و روستا و رستان و
مردان مبارز سهرکس و سهرسهرهای
اطراف بودند، با شعارهای صد
امپریالیستی-دمکراتیک که به
رسانهای ترکمنی و فارسی بود، سیر
راهپیمائی را به دلرزه در آورده بودند.
عصی از شعارها جس بود:
"زمین‌داران نابود است،
زحمتکشان پیروز است"
"کرد و بلوچ و ترکمن - ترک
و عرب متحدان
علیه امپریالیسم"
"پرخروش، پرتوان
علیه امپریالیسم"
یا آلرس، یا اولرس، آحر
خود مختار بولسرس
(بامی کیریم، بامی میریم
عاقبت خود مختار می‌تویم)

این راهپیمائی در ساعت
بعد از ظهر در مقابل ستاد مرکزی
شوراهای ترکمن صحرا با فرائس
قطعنامه جامع نام و زحمتکشان
در حالیکه شعار می‌دادند:
"دروغ بر بزرگ، متحد کارگر"
گروه گروه به روستاهای حدود
نارگسند.

در سخنرانی از این قطعنامه
آمده است:

"خلق قهرمان ایران!
مردم مبارز ترکمن صحرا!
س از گدیب ده‌ماه از اغلات
علیرغم ادامه مبارزات کارگران،
دهقانان و زحمتکشان، حاکمیت
بویزه دولسو به اصطلاح اغلاتی
نارگران بدون کزچک‌ترین بوجهی
به منافع و مصالح توده‌ها و سسه
آچه که زحمتکشان برای آن سسا
بای حان به مبارزه برخاستند،
کوسس همه‌جانبه‌ای در سمد
سعودن این مبارزات به عمل آورده
و به صورت مختلف از مبارزات توده‌ها
برای دستیابی به حقوق واقعبشان
خلوگیری کردند. مبارزات بیکر
کارگران به دلیل ادامه فشار
سرمایه‌داران وابسته کماکان ادامه
افت و چه دولت کسه اداره
کارخانجات فراریان را به عهده
گرفت و چه سرمایه‌داران، سسورب
کدسسه و با روابط گدسسه در
کارخانجات به اسسماز کارگران
برداختند، نارگران، عناصر
انادی امپریالیسم که در حاکمیت
حای گرفته‌اند، به روس هسای
کویاکون به تقویت سرمایه‌داران
مادرت ورزیدند و به سسه
بهبود وضعیت اقتصادی کشور
برای ادامه استعمار کارگران و سداوم
واستکی به امپریالیسم رمسداری
سعودند.

مبارزات بیکر دهقانان تحت
سسم کسورمان، برای رفع سسم
سال‌های منمادی و برای رهائی از
اجحافات زمین‌داران بترزگی و
غاصبین که در بیشتر نقاط مملکت
به ترکسازی مشغولند، همواره مورد
سرکوب و بورش حاکمیت فرار
گرفت و علا حاکمیت در کنار
سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ
به حمایت از آنان پرداخته و
توده‌های زحمتکش شهر و روستا و
سپروهای انقلابی حامی کارگران و
زحمتکشان را ضد انقلاب و
خرابکاران می‌داند بسان سسه
آرام‌سازی و تحقیف و محدود
کردن حرکات انقلابی کارگران و
دهقانان و زحمتکشان دست‌بافسه
و نسجه اسکه منافع سرمایه‌داران

حق تعیین سرنوشت خلقها ضامن وحدت و یکپارچگی است

بقیه از صفحه ۱

به مناسبت سالگرد مرگ لنین

لنین آموزگار کیپرولتاریا در قلب زحمتکشان جهان ...



کمیته مرکزی حزب، هزاران هزار، درخواست عضویت از طرف کارگران غیرحزبی دریافت می داشت. بیش از دوپست و چهل هزار تن کارگر، در اندک مدتی، داخل صفوف حزب بلشویک شدند. این دعوت لنین به حزب بود. مگر لنین نگفته بود: "تنها در سایه اینکه حزب بیدار و مواظب بود، و انضباط مؤکدی داشت... به دنبال شغاری که از طرف کمیته مرکزی داده شده بود، دهها، صدها، هزارها و بالاخره میلیون ها، مانند تنی واحد می رفتند و فقط به سبب اینکه فریبانی های بی نظیری داده شده بود... با وجود لشکرکشی های دوباره، سه باره، چهار باره امپریالیست های آنتانت و امپریالیست های همه جهان، توانستیم پیروز گردیم."

مگر لنین نوشته بود: "رفقای کارگر به یاد داشته باشید که انقلاب در معرض خطر بزرگیست. در خاطر تان باشد که تنها شما می توانید انقلاب را نجات دهید و بس. چیزی که بخصوص برای ما لازم است دهها هزار کارگر برگزیده، پیشرو، فدakar نسبت به سوسیالیسم است که از آنها سربزنی آید به روش و دزدی تن در دهند و قادرند بر ضد گولاکها، محترکین، غارتگران، رشوه خواران و کارشکنان نیروی آهنینی ایجاد کنند."

اکنون دوباره لنین چه پاسخ مناسبی دریافت می داشت. سال های آخر عمر لنین آمیزه ای از کار و بیماری، تحمل و سختکوشی بود. در سال ۱۹۱۸ حرکت خائنانی برای قتلش انجام شد که اگرچه ناکام ماند، او را به سختی مجروح کرد و سال های از بیماری را در پی داشت.

ماکسیم گورکی در این باره می نویسد:

"... وقتی به دیدنش رفتم هنوز دستش را نمی توانست درست حرکت دهد و گردنش را که گلوله سوراخ کرده بود، با دشواری تکان می داد. در پاسخ انزجاری که از این سو قصد ابراز داشتیم با کمال بی میلی گوئی از چیزی که دیگر خسته اش کرده است، سخن می گوید گفت: "زد و خورد است، چه باید کرد. هر کسی آنطوری که می تواند عمل می کند." دقیقه ای چند نگذشت که لنین با حرارت و خشم گفت: "آنکه با ما نیست بر ماست. مردمی که از جریان تاریخ کنسار بوده و مستقل زندگی کنند، وجود ندارند. هیچکس به ایشان نیاز ندارد."

آنگاه ما گورکی در باره رانلد کارگران و روسفکران سخن می گوید: "... به نود و هوس باید یک چیز ساده، چیزی که درد سترس عقلی باشد نشان داد. شوراها و کمیونسم ساده است. اتحاد کارگران و

روزها به شدت ذهن لنین را بخود مشغول کرده بود، مسئله ملیت بود و اینکه پند "رفقا انترناسیونالیسم را درک کرده اند" در یاد داشت ۳۱ دسامبر ۱۹۲۲ می نویسد: "... ضروریست ناسیونالیسم ملت ستعمر و ناسیونالیسم ملت استمدیده را، ناسیونالیسم ملت بزرگ و ناسیونالیسم ملت کوچک را تشخیص دهیم. در مورد ناسیونالیسم دوم می توان گفت که همواره در تجربه تاریخی، ناسیونالیسم های ملت بزرگ در فشارهای بیشتر مقصود مایم... کسی که این را درک نکرده است برآستی همچنان با دیدگاه خرده بورژوازی باقی مانده و از این رو نمی تواند هرآن به سوی بورژوازی درنظند.

چه چیز برای پرولتاریا اهمیت دارد؟ برای پرولتاریا نه تنها مهم بلکه بسیار ضروری است که حداقل اعتماد دیگر ملیتها به مبارزه طبقاتی پرولتاریا تأمین گردد. برای اینکار چه چیز ضروری است؟ برای اینکار تنها برابری ظاهری بسنده نیست. برای اینکار باید در هر صورت با رفتار یا گذشت های خود در مورد دیگر ملیتها، آن بی اعتمادی، آن بدگمانی و آن آزردگی هائی را که در گذشته تاریخی، حکومت ملت "عظمت طلب" پدید آورده است، جبران کند... هیچ چیز چون بی عدالتی ملی، رشد و تحکیم همبستگی پرولتاریا را باز نمیدارد... مصالح بنیادی همبستگی پرولتاریا و در نتیجه مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ما می خواهد که هیچگاه روشی ظاهری نسبت به مسئله ملی نداشته باشیم و همواره تفاوت حتمی را در مورد پرولتاریای ملت استمدیده و در مورد ملت ستعمر، در نظر داشته باشیم."

مصالح بنیادی همبستگی پرولتاریا و در نتیجه مصالح مبارزه طبقاتی پرولتاریا از ما می خواهد که هیچگاه روشی ظاهری نسبت به مسئله ملی نداشته باشیم و همواره تفاوت حتمی را در مورد پرولتاریای ملت استمدیده و در مورد ملت ستعمر، در نظر داشته باشیم.

بورژوازی می ایستند و این کاریست پس سترگ اما این درک نباید به هیچ روی این نکته را از ما بپوشاند که مادر واقع دستگاه کهنه را از تزار و از بورژوازی گرفته ایم یا این نکته را که اکنون با فرار سیدن صلح و تأمین حداقل نیازها در قبال قحطی، همه کارهای ما باید به سوی بهبود دستگاه باشد...

کارگرانی که به ترکیب کمیته مرکزی درمی آیند، می بایست بیشترشان از آن کارگرانی نباشند که زمانی دراز در خدمت دستگاه های شوروی بوده اند. زیرا این کارگران دارای سنت ها و اعتقادات معینی شده اند که می بایست با آن مبارزه کرد. در میان کارگران عضو کمیته مرکزی می بایست بیشتر کارگرانی باشد که از فتر کارگرانی که طی پنج سال در شمار کارمندان شوروی درآمده اند پائین تر و به آن کارگران و دهقانان عادی که در ضمن در زمره بهره کشان مسعوم یا غیر مستقیم هستند نزدیک تر باشند. در حمله مدالی که در وایس

هنگامی که یکی از اعضای گارد سفید... در مورد بازی آنها علیه روسیه شوروی به انشعاب حزب ما چشم امید دوخته بود، ذبح حق بوده است... بازم برای "استواری" و جلوگیری از خطر انشعاب گوزد می کند: "کشاندن بسیاری از کارگران به کمیته مرکزی به کارگران در بهبود دستگاه ما که بسیار بد است... باری خواهد کرد. این دستگاه در واقع مرده ریگی است که از رژیم پیشین به ما رسیده است... ما در سال دولتی طراز نویسن پدید آوردیم که در آن کارگران در پیشاپیش دهقانان، روستاوی

رفته رفته حال لنین رو به بهبود نهاد و به او اجازه داده شد هر روز ۳۰-۴۰ دقیقه به کار ادامه دهد. او که سخت بیمار بود، و شنی اندیشه، نیروی شگفت آور اراده و خوش بینی خود را همچنان نگاه داشته بود و تا ۹ مارس که دومین حمله به او دست داد به کار جسمی می پرداخت و یاد داشت نهایتاً را دیکته می کرد و برای دوازدهمین کنفره حزب کمیونست آماده می شد. در آخرین یاد داشت های لنین آنچه به چشم می خورد، نگرانی بزرگ او است برای آینده حزب که ۲۵ سال از زندگی پریشانش صرف ساختن آن شده بود. نگرانی برای انقلابی که ۳۷ سال مداوم برای به ثمر رسیدنش مبارزه کرده بود. نگران شخصیت هائی بود که در موضع رهبری قرار گرفته بودند و او آنان را با همه نقاط ضعف و قدرتش و نیک و بدشان می شناخت. شاید بهتر از هرکس می دانست که هیچیک از آنان چون او از مجموعه ویژگی های یک رهبر انقلابی برخوردار نیستند،

لنین نگران رشد خصلت های بوروکراتیک در دستگاه های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هر چه بیشتر کارگران در این دستگاه می جست. او در نامه به کنفره می نویسد: "درباره افزایش شمار اعضای کمیته مرکزی باید بگویم که به پندار من چنین تدبیری هم برای بالا بردن اعتبار کمیته مرکزی و هم برای کار جدی درباره دستگاه ما و هم برای پیشگیری از آنکه برخورد های بخش های کوچکی از کمیته مرکزی نتواند اهمیتی بسیار بزرگ برای همه سرنوشت حزب داشته باشد، ضروریست. فکر می کنم حزب ما این حق را دارد که از طبقه کارگر ۵۰-۱۰۰ عضودر کمیته مرکزی بخواهد... چنین اصلاحی براسنوازی حزب ما بسیار خواهد افزود و مبارزه حزب ما را در میان دولت هائی که دشمن هستند، آسان تر خواهد کرد. و البته... بد سرنوشتی است، علیه انشعاب... زیرا بدیبهی است

روشنفکران؟ چیز بدی نیست. نه. به روشنفکران بگوئید بسوی ما بیایند... این ما هستیم که کار بزرگ و پر زحمت برپا داشتن خلق را به عهده گرفته و آغاز کرده ایم و حقایق زندگی را به جهان می گوئیم و طریق خلاصی از اسارت و بندگی و فقر و پستی را تعلیم می دهیم.

در این موقع خندید و بدون اینکه کینه ای در دل داشته باشد، گفت: "برای این است که روشنفکران این تیر را به من زدند." در پی همین حادثه بود که بیماری لنین آغاز شد. در ۲۶ مه ۱۹۲۲ نخستین حمله بیماری به او دست داد. در ۱۶ دسامبر وضع

لنین نگران رشد خصلت های بوروکراتیک در دستگاه های دولتی بود و راه چاره آن را در شرکت جستن هر چه بیشتر کارگران در این دستگاه می جست. او در نامه به کنفره می نویسد: "درباره افزایش شمار اعضای کمیته مرکزی باید بگویم که به پندار من چنین تدبیری هم برای بالا بردن اعتبار کمیته مرکزی و هم برای کار جدی درباره دستگاه ما و هم برای پیشگیری از آنکه برخورد های بخش های کوچکی از کمیته مرکزی نتواند اهمیتی بسیار بزرگ برای همه سرنوشت حزب داشته باشد، ضروریست. فکر می کنم حزب ما این حق را دارد که از طبقه کارگر ۵۰-۱۰۰ عضودر کمیته مرکزی بخواهد... چنین اصلاحی براسنوازی حزب ما بسیار خواهد افزود و مبارزه حزب ما را در میان دولت هائی که دشمن هستند، آسان تر خواهد کرد. و البته... بد سرنوشتی است، علیه انشعاب... زیرا بدیبهی است

ما خواهان قطع کامل وابستگی اقتصادی سیاسی نظامی و فرهنگی با امپریالیسم آمریکاهستیم

کمک‌های مالی دریافت شده

Table with multiple columns listing financial contributions from various groups and individuals, including names like 'کمیته فدائی' and 'کمیته فدائی' and amounts.

حجت الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب تبریز

با انقلابیون کمونیست دشمن است نه با امپریالیسم

عناصر و محافل مزبور تلاش دارند بد هر قیمتی شده نیروهای انقلابی به ویژه سازمان چریکهای فدائی خلق ایران را با محافل و احزاب ضدانقلابی متسلط حزب جمهوری خلق مسلمان و غیره در هم بریزند و به این ترتیب نگذارند که توده های مردم دوستان و دشمنان خود را از هم تشخیص دهند.

با فریب توده های ناآگاه و ستمدستی و همکاری جناح های سلطنت طلب درون ارتش و بقایای ساواک و سایر محافل سرمایه داری علیه منافع خلق های زحمتکش ما بسیج شده و دست در دست امپریالیسم آمریکا می خواهد مبارزات ضد امپریالیستی خلق ما را از مسیر اصلی خود منحرف کند. افرادی چون حجت الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب در تبریز و با روحانیون مرتجع اهواز کینه می خواهند هر طوری شده پیگیرترین نیروهای انقلابی خلق را به نیروهای ضد انقلابی بچسباند بدون شک در راه خدمت به امپریالیسم آمریکا گام برمی دارند و چه بدانند و چه ندانند، که اکثر می دانند، خائن بُد اهداف خلق های قهرمان ایران اند و بدون تردید خلق ما همانگونه که تاکنون ثابت کرده است میان دشمنان و دوستان خود فرق خواهد گذاشت و مشت آنها را باز خواهد کرد.

بفید از صفحه ۱۲

گرامی باد یاد رفقای شهید...

مدتی در کارخانه ایران سویج تهران و یکی از کارخانه شمال مشغول کار بود تا از این طریق بتواند فقر و استثمار وحشیانه کارگران را از نزدیک لمس کند. او همواره به طبقه کارگر و زحمتکش عشق می ورزید و در راه آرمان انقلابی طبقه کارگر محسوس و نابودی سیستم سرمایه داری به شهادت رسید.

رفیق پس از اخذ لیسانس به خدمت وظیفه اعزام شد (تبر ماه سال ۵۷) ولی پس از دو ماه و نیم دوره آموزشی از خدمت فرار کرد و از شهریور ۵۷ زندگی مخفی را آغاز کرد.

رفیق در جریان مبارزات قهرآمیز بوده تا علیه شاه خائن و امپریالیسم در دی ماه ۵۷ پس از حمله نظامی توسط نارنجک به دو خودرو ارتشی حامل مأمورین حکومت نظامی در حوالی دانشگاه تهران، همین فرار به دست درخشان حکومت نظامی به شهادت رسید.

چریک فدائی شهید بهمن روحی اهنگران

در سال ۱۳۲۷ در تهران متولد شد. پدرش افسر جری نیرو هوایی بود. در سال ۴۵ وارد دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران شد. رفیق بهمن در دوره دانشجویی به نحو چشمگیری در اعتصابات صنعتی و سیاسی شرکت داشت. در خرداد ۵۱ فارغ التحصیل شد. در آبان همان سال به سرسازی رفت. بعد از دو ماه خدمت از پادگان گریخت و در بی تاس های قبلی، به سازمان چریک های فدائی خلق پیوست. او مسئول شاخه مازندران بود. سرانجام در ۱۸ دی ماه ۵۴، بدست ساواک دستگیر شد و پس از مدتی کوتاه زیر شکنجه به شهادت رسید.

فدائی شهید مرتضی حاج شفیعیها

در سال ۱۳۲۶ در یک خانواده متوسط مذهبی متولد شد. در سال های آخر در دبیرستان پهلوی، فزویین درس می خواند کینه مطالعاتش را گسترده تر و خدی تتر کرد. او شعر نیز می سرود و

فدائی شهید رفیق فتح الله کریمی

رفیق فتح الله کریمی در سال ۱۳۳۵ در یکی از روستاهای الیگودرز به نام گندم پنه در یک خانواده دهقانی به دنیا آمد. از بدو تولد، همواره با فقر و رنج و سه روزی توده ها آشنا بود و بی عدالتی های نظام سرمایه داری را تجربه کرده بود و همه اینها اثری سازنده در او به جای گذاشت.

توضیح درباره کمکهای مالی
سازمان چریکهای فدائی خلق ایران همواره تنبها به حمایت مردم قهرمان ایران تکیه داشته و امروز هم مانند همیشه متکی بر پشتیبانی هواداران است.
کمکهای مالی خود را از هر طریق که می شناسید و اطمینان دارید، به دست رفقای سازمان برسانید. از آنجاکه نمونه هایی دیده شده است که عده ای با مقاصد مختلف با اسناد نام سازمان به جمع آوری کمک های مالی مبادرت کرده اند، به دوستان و رفقا توصیه می کنیم برای اطمینان از دریافت کمکهایشان توسط سازمان به رابط دریافت کننده پول یک عدد که خود شما انتخاب کرده اید، همراه با حرف اول نام خود به عنوان "کد" بدهید.
سازمان "کد" و مبلغی را که پرداخت کرده اید، همراه با حرف اول نام شما، در نشریه "کار" به چاپ می رساند. به این ترتیب شما اطمینان خواهید یافت که کمک مالی تان به سازمان رسیده است. لازم به تذکر است که این رابطه به هیچ وجه نباید یک رابطه تشکیلاتی تلقی گردد.
ما از هم میهنان مبارز می خواهیم با دقت کافی نسبت به این مسئله مانع از سوء استفاده عناصر فرصت طلب شوند.

گرامی باد یاد رفقای شهید ★ ★ ★ ★

گرامی باد یاد رفقای شهید بیمن روحی آهنگران فتح الله کرمی یوسف زرکاری مرتضی حاج شفیعیها

فدائی شهید

یوسف زرکاری

رفیق یوسف زرکاری، در دی ماه ۱۳۳۱ در یک خانواده کارگری به دنیا آمد. سه ساله بود که پدرش در گذشت و محسور شد برای تأمین مخارج خانواده از همان سالهای کودکی به کارگری پرداخت. کار در کارخانه با نخستین آموزگاران انقلابی برای رفیق همراه بود. رفیق زرکاری نیز از کادرهای اولیه سازمان بود و از همان آغاز در سازمان، فعالیت‌های انقلابی خود را آغاز کرد.

رفیق زرکاری در شهریور ماه ۱۳۵۰ به وسیله سازمان مغسور است دستگیر شد و با هوشیاری بواسط اسرار فعالیت‌های سازمانی و انقلابی خود را از دشمن پوشیده نگاهدارد. رفیق



فدائی شهید رفیق یوسف زرکاری



فدائی شهید رفیق فتح الله کرمی

به یک سال زندان محکوم گردید. پس از آزادی با پیگیری و پشتیبانی بسیار نوانست سازمان خود ارتباط بکشد و به فعالیت‌های انقلابی در درون سازمان ادامه دهد. از رفیق زرکاری، ابری به نام "خاطرات یک چریک در زندان" بقیه در صفحه ۱۱

به یک سال زندان محکوم گردید. پس از آزادی او می‌ماند. رفیق یوسف زرکاری در تاریخ ۱۷ دی ماه ۱۳۵۲ در درگیری با ماموران سازمان امینیت در اصفهان شهید شد. او هنگام شهادت ۲۱ ساله بود. بقیه در صفحه ۱۱

سالگرد انقلاب پیروزمند کوبا را

به خلق قهرمان کوبا و رفیق فیدل کاسترو

تبریک می‌گوئیم



اول ژانویه مطابق با ۱۰ دیماه، سالروز انقلاب پیروزمند خلق کوبا است. بیست سال پیش در اول ژانویه ۱۹۵۹ حکومت دیکتاتوری باستان، این رژیم دست نشانده امپریالیسم آمریکا، به دست انقلابیون کوبا سرنگون شد. دو سال بعد در ۱۹۶۱ دولت کوبا به رهبری "فیدل کاسترو" برقراری حکومت سوسیالیستی را در کوبا اعلام کرد.

حلقه‌های ایران در همان زمان سرنگونی باستان و برقراری حکومت انقلابی کوبا را پیروزی بزرگی برای جنبش رهاشی بخش ملی در جهان دانسته و همیشه از تجربه انقلاب کوبا بعنوان پشتوانه مبارزات آزادیبخش علیه ارتجاع و امپریالیسم، درسهای گرانبهائی گرفته‌اند.

حلقه‌های ایران در تمام سال‌های خفقان و دیکتاتوری که توسط شاه حاش، عامل امپریالیسم جهانی به آنان تحمیل شده بود، به پیروزی‌ها و دستاوردهای انقلاب مردم کوبا با تحسین می‌نگریستند و پیروزی خلق کوبا را پیروزی خود می‌دانستند. اسکی که با فداکاری‌ها و جانبازی‌های بی‌دریغ خلق قهرمان ما، رژیم شاه سرنگون شده، حلقه‌های ما در شرایط ویژه‌ای در شادی مردم کوبا، در گرامیداست پیروزی انقلاب خود تبریک هستند. حسین فیرمان کوبا و رفیق "فدائی" حاج شفیعیها، سالگرد انقلاب کوبا را به سادگی سپاس می‌داند.

ما سرخس برنده انقلاب کوبا و دستاوردهای داخلی و خارجی آن را به شماره آینده "کار" موکول می‌کنیم.

بد عوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا و کانون فرهنگی سیاسی خلق ترکمن

زحمتکشان ترکمن، بلوچ و زابلی،

در راهپیمائی‌های خود همبستگی خلقهارا در مبارزات ضد امپریالیستی به نمایش گذاشتند



گنبد - دهها هزار نفر از زحمتکشان سهره، یوساهای ترکمن صحرا در راهپیمائی روز یکشنبه ۱۶ دی ماه که به عوت ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا علیه عناصر وابسته امپریالیسم، زمین‌داران و غاصبین برای ادامه اسفکری عناصر وابسته به آمریکا برگزار شده بود، شرکت کردند. راهپیمایان با شور و شوقی انقلابی فریاد برمی‌آوردند: "زمین‌داران خونخوار، این دشمن ستمکار نابود باید گردد." "استاد جاسوسخانه در پیشگاه ملت افشا باید گردد." راهپیمایان که بعضی از آنان از سب نسل از روستاهای دور به شهر آمده بودند، از صبح رود با اشتیاق در مقابل ستاد مرکزی شوراهای ترکمن صحرا اجتماع کردند.

در راس ساعت ۱۰/۵ صبح زحمتکشان که در صفوف منظم پلاکاردهائی در دست داشتند، به حرکت درآمدند. بر روی این پلاکاردها چنین نوشته شده بود: "ما خواهان افشاء عناصر وابسته به امپریالیسم هستیم." "افشای امریکائی باید ادامه یابد." زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند." "دست غاصبین و زمین‌داران بزرگ از زندگی زحمتکشان کوتاه باید گردد." "طرح خودگردانی هیئت ویژه دولت، توطئه‌ای است علیه خلقهای تحت ستم." "خودمختاری شورائی در ترکمن صحرا خواست زحمتکشان ترکمن

صحراست. یکی از نکات برجسته این راهپیمائی عظیم که تاکنون در ترکمن صحرا سابقه نداشته است، شرکت گسترده زحمتکشان زابلی و بلوچ بود که با صفوف منظم و لباسهای محلی برای نمایش گداس همبستگی خلقهارا در مبارزات ضد امپریالیستی در این راهپیمائی شرکت کرده بودند. در طول مسیر راهپیمائی در چند نقطه بیانیه‌هایی در جهت افشای سرمایه‌داران لیبرال این دوستان و جاسوسان امپریالیسم آمریکا خوانده شد و سر بیانیه افشاگرانه‌ای در باره سیاست ارتجاعی و سازشکارانه حزب نوده قرائت شد. در این راهپیمائی که ۲/۵ ساعت به طول انجامید، راهپیمایان که از بقیه در صفحه ۹

حجت الاسلام موسوی رئیس دادگاه انقلاب تبریز

با انقلابیون کمونیست دشمن است نه با امپریالیسم

در صفحه ۱۱

همه با هم دشمنان خلق را افشا کنیم
همه با هم در بزرگداشت
قیام شکوهمند بهمن بکوشیم
مردم مبارز و آگاه ایران!

۱- سازمان چریکهای فدائی خلق ایران در امر مهم افشای و معرفی دشمنان خلق به یاری بی‌دریغ شما متکی است. لذا در این موقعیت که افشاء و معرفی دشمنان خلق برای پیشبرد مبارزه‌ار اهمیتی عظیم برخوردار است، از شما می‌خواهیم که هرگونه سند و مدرکی پیرامون خیانت سرمایه‌داران وابسته و دوسان و جاسوسان امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، در دست دارید، در اسرع وقت برای ما بفرستید.

۲- از آنجاکه بزرگداشت قیام شکوهمند خلقهای قهرمان میهن ما در رشد و اعتلای آگاهی طبقه کارگر و زحمتکشان از اهمیت فراوانی برخوردار است، و از آنجاکه بزرگداشت و پاسداری از سنت‌های انقلابی مردم میهن ما، وظیفه‌ای است انقلابی که همه ما باید آن را بدرستی به انجام رسانیم. از شما می‌خواهیم که هر مطلب، سند، عکس، جمع بندی تحارب و خاطراتی که در شناخت این واقعه تاریخی و بزرگداشت شکوهمند آن به ما یاری رساند در اختیار سازمان قرار دهید.

ما با جاب حزب اول نام و کد انتخاب شده توسط شما، از طریق نشریه "کار"، شمار را از رسیدن سند فرستاده شده مطلع میسازیم

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

در سال ۲۲، سال سرکوب خونین مردم توسط ارتش، تیمسار مدنی درباره رضا خان می گوید:

شاهنشاه فقید در راه نیرومند نمودن ایران نوین، در راه تجدید عظمت شاهنشاهی کهن با اراده استوار پیش قاحت و... اعلیحضرت شاهنشاه با توجه کاملی که بهمراه امور میهن دارند...



تیمسار در یادداشتی که تازگیها دکتر سید احمد مدنی شده است، درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده بود و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

این سخنان را تیمسار در یادداشتی سید احمد مدنی در سال ۱۳۲۲ خرداد خونین، سال سرکوب خلق رحمتکن ایران توسط ارتش شاه اظهار داشته است.

سخنان تیمسار در یادداشت سید احمد مدنی در کتابی تحت عنوان خلیج فارس که توسط اداره کسل انتشارات و رادبو شاهنشاهی منتشر شده به چاپ رسیده است.

در مقدمه این کتاب آمده است: "تیمسار سوم اسفند ۱۲۹۹ خورشیدی که به پایمردی سرداری فدائیکارانجام گرفت (مقصود کودتای ننگین رضا خان است) به آن روزگار تباهی و ساهی خاتمه داد و کشور را از آشفتگی و مسرودم را از پریشانی نجات بخشید و اجزای پراکنده و گسخته میهن را با یکدیگر به هم پیوست و جنبش و کوشش جاننشین خموشی و دلبردی شد. (در یادداشت مدنی و سایر سران ارتش هم اینک نیز سودای حکومت نظامیان را در سرمی پروراند و هر یک می خواهند رضاخان جدیدی باشند) در عصر رضاشاه کبیر بنیان گذار ایران نوین برای شناساندن اجزای کشور کوششهایی به عمل آمد اکنون خداوند را سپاس می گذاریم که به عنایت شاهنشاه بزرگ و دانش پرور ما آن آثار شوم از چهره ایران عزیز به کلی زدوده شده است و کشور ما در پرتو یک انقلاب بزرگ اجتماعی و اقتصادی به شاهره روشنی افتاده است که پایان آن باز یافتن بزرگواری گذشته و آسایش حال و سرفرازی آینده است.

برای رسیدن به هدفهای بزرگ انقلاب شاه و مردم از جمله شناختن اجزای گوناگون کشور چه از جهت تاریخی و چه از جهت دیگر وزارت اطلاعات سرفرازی است و با تشکیل سمینار خلیج فارس می توانسته است بزرگترین شاهسراه دریایی ایران را چنانکه شایسته است بشناساند.

تیمسار در یادداشتی که تازگیها دکتر سید احمد مدنی شده است، درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده بود و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

تیمسار در یادداشتی که تازگیها دکتر سید احمد مدنی شده است، درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

تیمسار در یادداشتی که تازگیها دکتر سید احمد مدنی شده است، درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده بود و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

تیمسار در یادداشتی که تازگیها دکتر سید احمد مدنی شده است، درباره ولینعت خود یعنی شاه خائن و پدرش رضاخان چنین می گوید:

شاهنشاه فقید در حالی زمام امور کشور از هم پاشیده و پریشان ایران را بدست گرفت که در خلیج فارس جزایمی از ایران نمانده بود و نه تنها بیشتر شیوخ خلیج فارس سرسپرده خارجی گردیده و سیاست مزبور آنها را اداره می کرد، بلکه اغلب سواحل و جزایر ایران تحت نظارت و استیلاي چنین سیاستی قرار گرفته بود.

نابود باد جبهه احزاب و محافل سرمایه داران لیبرال

